

# بیکار ۶۵

بهار ۲۰۰۱

سال دوم - دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۵۹

## در صفحات دیگر این شماره:

● پاسخ به نامه ها:

- ۱- نامه رفیق مادری به سازمان ۲- شایعه انشعاب در سازمان صفحه ۴
- قطعه نامه راهپیمایی ۱۹/۴/۵۹ دهکدهاران و بساطی های کنار خیابان صفحه ۶
- یک رزمنده ترکمن اعدام شد صفحه ۱۶
- خاطره رفقای شهید اصغر دورس، محمد صادق کفاش تهرانی و رفیق شهید رضا براتوندگرامی باد! صفحه ۱۶

## تقی شهرام: ترازوی یا حماسه؟

۱۲ صفحه

## پیرامون سخنان ۲۹ تیر آیت الله خمینی

بیش از یکسال و ۷ ماه از تمام مسلحانه بهمن ماه میگذرد، ولی به سبب استثنائی ترین خواسته های سوده ها صورت تحقی خود نگرفته است، بلکه بدلیل ساختار و عملکرد های مدخلی ارجاع حاکم روز بروز نتوان فرمای زندگی بردوش طبعه کارگر و سایر همکاران فرو رفته است. تبیین این تمام و در دوره ای که حسن بوده های طبعی، سفته و بیسنان کنش می با حق و با نه های رژیم جنایتکارانه جلاد را یکی پس از دیگری فرو می ریزد، کمونیستهای راستین با توجه به سیاست و عمل رهبری خرده بورژوازی جنبش ما را حبس می کند و سرکوب کرده رهبری همسجده ها را روده ها عقب است (الان و اصح است که اس مربوط به ضل ارتقا است و لا بعد ارتقا مکتب "رهبری خرده بورژوازی" در مقابل بوده ها و انقلاب را گرفت و تحت هژمونی "امپریالیسم" به بازاری سرمایه داری و استبداد بران برداشت و این مسئله ای بود که بررسی و با وضوح تمام در زمان تمام (هنگام میگذرد) به تمام مسلحانه برداشته بود ولی آیت الله خمینی هنوز اصرار می کند که ما را چپا در مسلحانه قرار برنده است (به سبب رسد و محبت نظرات کمونیستها بر ساری محفل گشت، زمانی هم که رژیم ما با ساطت سد و "دولت موقت" ما مور را همراه رهبری بدست گرفت، کمونیستها و سروهای انقلابی ما تمام توان خود کوشیدند که این مسئله را به کارگران و دیگر رنجبران به هم کشند که

نسخه در صفحه ۱۲

## حزب فقط حزب جمهوری اسلامی!

نگاهی به «فاشیست بازی»!  
حجت الاسلام هادی غفاری

ما تاکنون نسبت باری در سوادیم ولی اراش بعدت نسبت باری در می آوریم... تصمیم ما بر این است تمام دفاع و مبارزاتی را عرخط امام را بکرم.

حسان سواد کد ارتقا هادی غفاری در احتماع هواداران حائدارس (در ۳۰۰۰۰ ماه) اعلام سوادهای هما برورد را رگان حزب جمهوری اسلامی به حاکم رسد، عماره و جوهر آن سیاسی است که اس حزب رسوا در صدها ده کردن است. اس حاشی که حاکم و سحرسان روی کسان ترون وسطی را بعدت کرده است. اکنون با اخبار اعلام می کنند که اراش سوار حاکم فاشیستی رویکردان بخواهد بود و همانطور که در عمل سنان داده اند، اگر با بحال سنی میگردند در احتماع سنان، ظاهر امر حفظ سواد و حسی امکان اقدامات ضد سردمی سنان در صدها ده اند، اکنون بقول خود سنان مصممند که "فاشیست بازی" در آورد و آنگاه اقدام در راه همسوار و سوسی بگذارند.

نسخه در صفحه ۲

## مبارزه خلق کرد در شهرهای نیز همچنان ادامه دارد



## رادیوهای امپریالیستی و صدا و سیما جمهوری اسلامی، علی رغم اختلافاتشان یک هدف دارند:

کودتای امپریالیسم آمریکا در پولیوی

امپریالیسم آمریکا بار هم در آمریکا لاس دست نکودا رد. آنجا که صانع امپریالیستی تا یکی های جو عوارض خطر ساند هر حاشی محارباست اس منطق همدا میرا نسیت است. اوزمان استقلال سولوی در ۱۸۲۵ از اسعمار اساسا ساسا

کمون ۱۸۹ کودتای نظامی در اس کسور صورت گرفت است که آخر اس آنها کودتای سحسه ۲۶ سرامه (۱۷ ژوئیه) بود. اس کودتای نظامی در رهبری ژنرال "لونس کارما" انجام گرفت.

نسخه در صفحه ۲

## مبارزه کارگران بیکار شوشتز

۳ صفحه

## چین، بازگشت سرمایه داری

۹ صفحه

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

سقیه از صفحہ ۱

حزب فقط . . .

بسیار ساده لوحا به خواهد بود چنانچه کجکمه های هادی غفاری که بزرگترین هنرش حمله کردن علیه نیروهای انقلابی است، صرفا به دیوانگی و احمادگی وی نسبت داده شود. حزب جمهوری اسلامی از ابتدای تاسیس خود، همواره این هدف را دنبال میکرد و میکند که بمبوزات کوشش برای کسب کامل و بلاشک قدرت سیاسی ویرگنا ر نمودن جناحهای دیگر بسود خود، جنبش انقلابی و در برابر آن کمونیستها را باشد تمام و با استفاده از زوحشیا به ترین شیوه ها سرکوب نماید. در واقع اظهارات غفاری در همان خط سوار سوطش آ میز آیت، این مزدور امپریالیسم و شورسین حزب جمهوری اسلامی است که هم اکنون موسوم به مرحله اجرا درماید. حزب جمهوری اسلامی در صد کسب بلا متار ع قدرت سیاسی و سرکوب هر گونه صدای مخالف است که این چنین دیوانه و ارباب انقلاب پرورش میبیرند. سردمداران این حزب رسوا گمان میکنند که خواهد توانست با اسکا به افکار عقب مانده و ارجاعی خود، همچنان توده های وسیعی را بصورت پشتوانه و صام بقای حکومت ستم گرانه خود حفظ نماید. آنها در صد دند من حراست و پاسداری از نظام کجکمه به سرما به داری وابسته به امپریالیسم، افکار رپوسیده خود را که متعلق به تاریخ - خانه قرون وسطی است، در جا معا مروزی بساده کنند و از این روست که دیگر علم فریب "انگراهی - الدین" را بدورا نداخته و شمشیر زهر آگین تفتیش عقاید را از دنیا مبر کسیده اند تا با ترور افکار و سرکوب ایده های انقلابی و مترقی، هر گونه مخالفی را از دم تیغ بگذرانند. آنها که همواره انگل و ارا ز قبل دسترنج زحمتگشان نخذیه کرده و میکنند، و در خشانترین کارشان در گذشته سپاه کردن خروا را کا غذ در مورد "شک بین دو و سه" بوده، اکنون با سو استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها و به قیمت خون دهها هزار شهید و زخمی خود را در بیا رگا خلافت یافته اند. در صد دند فر هنگ دوران جا طلیت را با توسل به "دیگنا توری ملائی" (اصطلاح هادی غفاری) بر جا معه اول ایران تحمیل نمایند. شلاق زدن و سنگ سار کردن، نسانها، تنها بسا نگرگوشه ای از فرهنگ نسانها ارتجاعی ایمن خاشین است. همانطور که در هشت ترین پیش از ان، لمیسی ایگ تولیگ با "دعا حواسی و اوعاگری و کجکمه و اعدا ما زمشودا لیسما بساداری منکر د" سان سزسا همین رسا ثل پاسداریت مسرما به اند، آنها حوا همان حکومتدو را این راه را هیچ حساب تحمی فروگذار نیستند. غفاری را صراحتا ما اعتراف کرد که "صدما حکومت کردن است و بین اار ۲۵۰۰ سال از دست نخواهیم داد!" (همانجا)

"حزب فقط حزب الله" که بعدا رسا ما کسبسون متحصصا توکسان عسرسی حزب جمهوری بود، اکنون به پرچم این حزب رسوا بدل شده است تا بحب پیوس آن "حزب فقط حزب جمهوری" را احقی بحد، آخرا آنها صدسان حکومت کرد بسا اسکا این روزها حمله آنها به صا ح سورزوا ثی سی مدر دت بسری کردند و احنا رسا ثل ارساط حقی اعم ارورسا به ورادبو و سلوسرسون نظورسا رسا ثی در دسان امساده، سان دهدا بس اجرا س که آنها مضمبندرت ساسی را کا ملادر دت سی کفایت خود بکیرند. در این راه حنی حزب نیای مدا انقلابی همچون حزب سوده و ربحران که کاری حرا آراسن جیره اس حاسکا را رسا سده اند سرتصون ارسعرا سان بسا دده اند.

هادی غفاری پروایت خودش!



"ما تا کون فاشست ناری درسا وردیم ولی از ان س بعدا سست ناری درسا و رسم . . .!"

اگر آیت الله خمینی برای صدور جواز رسمی سرکوب مجاهدین با استناد به اینکه "ما در قرآن سوره مائین داریم . . ." "سورسعی قلع و قمع آنها را ما در میکند، بدان معنی نیست که برای "دیگران" از اینگونه سوره ها سافت نخواهد شد. همانطور که هادی غفاری گفته است آنها نه تنها "حمدشان حکومت کردن" است بلکه حکومت از نوع "دیگنا توری ملائی" است که هیچ جرمان سیاسی را "غیر خط امام" تحمل نخواهند کرد! از این پس مخالفان سیاسی را سراسی مسوان تحت عنوان "اشه کفر" در کوجه و خیانان سرور نمود. بهشتی که گویا در آلمان سحدا کما ارمکت هنر کسب فضی نموده، در یک صا حه مطوعا تی با ورونا به خودش منذکر شد که "تشکل گروهی ای اسلامی (بخوان حوجه های سرور) برای ازسن سرن اشه کفر با در رابطه سا بک شا خا ر رهبری انقلاب (بعسی خودسان) صورت بگرد" (جمهوری ایلامی ۵۹/۵/۲)

اسکه روزانه در کوشه و کنا ر کشور به دلایل واهی و سسی - با به (نظیر بریاب سگ) انقلابسون و کمونسینا به حوجه های اعدا م سیرده مسود و دهها و صدها نفر در کردسان بجا ک و حون می غلطد، کا فی سست و از این رومساند "حوجه های اعدا م" را همانطور که در کشورها ثی نظیر آرزاسن و سرتسل عمل میکنند، وارد میدان نمود. آنها البته بس بکهر احوسی در سانه اند که هیچ تردسنا آگاهی تا ساسی عان احسار بر را بسا اس مومنا ثان قرون وسطا ثی نخواهد داد و آنها بحوا هند سوا سب مگرا کسا ر سرور و حقتان، سسر، حصدنا جی سسریر سمد درت بکزه زند، لکی سا همدانیا ما حرا در ک اس و اصعب اند که سرج سارخ و سرور سدر سا معد انقلابی ایران بر حصلا ت امسال و آرزوهای ارتجاعی آنان در ممداری دنگر، منکرده.

بدینی است بلایی که از طرف اسان برای نار - کردا بدن حا معده صدها سال به عقب صورت منگرد، بلایی بس مدیوحا به و محکوم به کسب است. افکار عمومی حا معا، ریکسال سسنا بس سو، سان مده دکه

سعدا صفحہ ۱

کودتای . . .

علت اس کودتا چه بود؟ و آمریکا در آسان ماه امسال برای پایان سحسدن به "اوضاع ساسا مان" بولسوی سوسط مردوران خود رهبری سرهنگ "السرنا سوس" دست به ک کودتا رد. ولی مقاصد سلسرا به طقسه کارگرونا سروسده های رحمتکن بولسوی دولت کودتا - حان را محسوسه عقب سشینی و اصنعفا نمود. بدسنا ل اس کودتا، استخبارات فرما سنی صورت گرتب، ولی در اس اسخبارات هیچ یک اربا سدهای هیا ت حاکمه مردوروا رسا عی این کسور سوتی به کسب آراسمیزان ۵۱% بگردید. به این لحاط در ۲۵ آمان ۱۳۵۸ رئیس کنگره دولتی "لیدیا گشلیرتجا ده" بطور سوقت رئیس جمهور شد. اما دولت جدید سبیز به علت ماهیت وابسته و صدمردمی اش نمیتوانست خواه ستهای توده های زحمت - کن را ساج گفته و به بحران سیاسی و اقتصادی کشورسان بسحد.

امپریالیسم امریکا وسطا مان سومی سر سوره اش که میدد بسا سب لیسرا ل" سنا نه دولت خدا انقلابی "لیدیا" سمنسوا ندبر اوضاع مسلط شده یعنی مبارزات سوده ها را کا ملا سرکوب نموده و سحران حا معرا بسه سانان برساند، دست به کودتای جدیدی میزند. بلیوی یکی از ادرکنندگان میمفلخ و طلا در جهان می باشد شرکتهای بزرگ امریکا ثی سسود هنگعتی از عارت این صناع و سایر شرتهای ایمن کشور به جنگ می آورد. سا بر این امپریالیسم آمریکا برای آنکه بسوا بسطور مستحکم تر مناسع سرتا ر خود را تصمین سما بدوا از سدمنا زرات مردم و سبروهای مترقی و کموسبست جلو بگیری کند، این کودتا - ی نظامی را بوجود می آورد. کودتا چنان سسز دور بلافا طله به اشغال شهرهای مهم بر دتا اشگاه و را دیوبولوسیزویون را اشغال می نمایند، و بدسنا ل آن مراکز و فانسرسدگا های کارگری را اشغال کرده و آنها را منطل اعلام میکنند.

اما در مقابل کودتا چنان آمریکا ثی، کارگران دهقانان، دانشوران و سیر سوده های سمدیده سرج - بسوسان به مناره و مقاصد سلسرا به برمی حیز سسد، سوده های وسیعی از کارگران و ارحمله ۵۰۰۰۰ کارگر معادن قلع دست به اصعبا رده و نظور سارا کده سسز به مقاصد مسلحا سروی می آورد. رژیم کودتا در سراسر موجه کوسده مقاصد خلق نظور سوسع به سرکوب حوسس مردمدست رده است. او اردوگا هط می "سسر - اطلور" در لاپلا رسا سحدا اس کسور را سارا رسا سگاه سمدل کرده سوده های سساری و ارحمله رهبران سمد - نکا ثی و سسروهای سسری را دستگیر کرده و مورد آزار و سکنه فرا داده است. دولت کودتا برای آنکه سسوا ند نظور حوسا به سرکوب خلق سسرا رد "کا لوبیاری" که از امداد ناری سورا به سبب رشتن گروه احتشاقی برگزیده است.

لکن علیرغم اس اعدا ما ارتجاعی و فاسسی سسار را کسب رده و اصعبا و مقاصد همچان ادا مع دارد. سوده ها همچان سسور را سرتا لیسم حوسسوار آمریکا و مردوران سومی اس سس می کوسند.

رسریای اس مرتجعس سروروا و خرده سروروا های سرتد هر چه سسرتجرا ل میسود و در سسرتوری کسب سسوان "اشه ارتجاع" در داکا سوده ها حوا بکوی حساب سسکن سوده ها سس، آنها طوفان در حوا سسکده، سسرسر کدها می کار رسا

# جنبش کارگری



## مبارزه کارگران بیکار شوشتر

حدود یکماه پیش کارفرمایان مدکارگر سرکنیای "های دی" و "گیلاردسان" توسیر اقدام به تعطیل دو کارخانه و اخراج بیش از ۴۰۰۰ نفر کارگر نمودند. کارگران بیکار برای بازگشت به کار راه نکال مخلص مانند اعتراض راهپیمایی، مراجعه جمعی به فرمانداری و... به مبارزه خود ادامه دادند. اخیرا در سال مبارزه کارگران برای بدست آوردن مکانی که در آنجا بتوانند سرای ادا مه مبارزه خود سمیما جمعیتی بگیرند، فرمندان را شهر مدرسه شکوهنیا را در اختیار کارگران قرار داد و دو وعده داد که روز پنجشنبه ۵۹/۴/۱۲ کارگران را بکار بگمارد. کارگران طبق گفته او روز پنجشنبه در مدرسه مذکور جمع شدند. آنگاه خضریان معاون فرمانداری به میان کارگران آمد و گفت: "ما فعلا کاری نداریم که به شما بهیچتا چند وقت دیگر طرحی بی (پ) داریم، آنوقت شما را به سرکاری می بریم" کارگران از او پرسیدند: "کی این طرحها پیدا ده می شود و بالاخره کی ما بایر سرکاری بریم" خضریان جواب داد: "من نمی دانم، ولی برای مدت کوتاهی می توانیم شما را برای نی بیری در کشت و صنعت کارون بکار بگماریم ولی هیچگونه تعهدی نمی دهیم، و اگر ضمن کار زخمه (داس) نی بیری بیاید دستپتان خوردیم مربوط نیست." کارگران می دانستند که این وعده های تو خالی درد آنها را دوا نمی کند، از اینرو تصمیم گرفتند به طرف فرمانداری راهپیمایی کنند. آنها در حالیکه فریاد می زدند: "کارگرا اینست شعاری بیکار، کارگرا حق مسلم ما است. کار با پیدا بجا دیشه وعده وعید نسون (پ) - منظور طرحهای تولیدی گسترش است که به یک عده چند نفری وام می دهند تا در مقابل آن، کار معینی مثل پیمانکاری انجام دهند.

## اعتصاب کارگران مبارز شوشتر «استاندارد»

تدبیرال برداخت مبلغی به عنوان حق برار را از بعهده ای از کارمندان حسابداری سرکاستاندارد (یکی از شرکتکنندگان گروه صنعتی کفش ملی) روز یکشنبه ۱۵ برماه ۵۹ کارگران اسن سرکاستاندارد مبلغی مبلغی حقوق عقب مانده ای بطرحی اولاد ۶۰۰۰ تومان حق سولید و وام و... دادند و هر بار رینهای از طرف سورا و مدیریست کوشاندا حه مند، دست بینه اعضاء میزدند. در اینرا نطه سیه های عوامیل خود فروخته برای برآکدن و بدین بست کشاندن اعضاء کارگران بجائی نمی رسد.

روز دوسمه ۱۶ برماه سورا سوحا سوت و با فشاری کارگران اعضاء بی و برخی عنا صرورا "مهاجرانی" مدبرعا مل گروه "هاشمی پور" مدیر شرکت برای توضیح علل عدم پرداخت مطالب کارگران، از جمله عدم پرداخت حق سولید مبلغ ۶۰۰ تومان که قرار بود از مروردین ماه ۵۹ پرداخت شود و سبب رسیدگی به خواسته های آنها در اجتماع آنان ظاهر میشوند در این هنگام یکی از کارگران بشت بلندگورفته و پس از مدتی صحبت دربار "مشکلاتشان از ما جرائی می پرسد! تومبیل گرانقیمتی که زینبای شما است از کجا آورده اید؟" و مهاجرانی اظهار میدارد: "این ماشین مال گروه نیست." کارگران که میداند شروت امثال مهاجرانی - ها حاصل دسترنج آنهاست، بسن خود زمزمه می کنند که این ماشین را از کفش بلادرده است. (وی قبلا مدتی در کفش بلا "کار" میکرده است.) سپس یکی از کارگران زن بشت بلندگورفته و می گوید: "آقای مهاجرانی! من سالهاست که زحمت می کشم، الان موقع استراحت من است، ما هنوز هم جیبورم کارکنم چون حقوقم نمی رسد! چرا نیا بدمن با زینتسه نوم؟ مهاجرانی که از طرف کارگران به پا کشته شده بود، برای فرار از تیررس خشم آنها بیعتها میدهد که زهر قسمت بکنفر نماینده تعیین شونده با آنها بصحبت بنشینند و خود اجتماع کارگران را ترک میکند.

کارگران پس از بحث و گفتگو خواستهای خود را در ۱۴ ماده تنظیم کرده و آنها را به اطلاع مدیریت میرسانند بعضی از خواسته های آنها عبارت است از:

پرداخت حق تولیدیه میزان ۶۰۰ تومان در هر ماه، قبول دوفرزند در کودگستان سرومان دادن به وضع رستوران، دادن کفش و...

مدیریت انجام خواسته های کارگران را تقبیل کرده و برای اینکار تا شنبه آینده فرصت میخواهد. کارگران مهلت مذکور را پذیرفتند اما اعلام کردند که اگر پس از انقضای این مدت به خواسته های آنها پاسخ مثبت داده نشود، با دیگر دست به اعتصاب زده و از خروج کالاهای بیرون جلوگیری خواهند نمود.

سسه کارگران بیکار را بدین سرکار، کارگرسوز است، سرما به دارنا بود است. "طرف فرمانداری حرکت کردند. در مرکز سیررسده به چهار راه حبیبی به مسیر اربابداران سه میان کارگران رفندومی خواستند بلندگویی که در دست یکی از کارگران بود بگریسد. آنجا می گفتند: "نما از چه کسی احار در اهما بیسی کرده اند؟ کارگر مدکور حوا داد: "ما اجازه اهما بیسی خود را از کارگران می گیریم! آنجا حورون موضوع کارگران با شعارهای جون "مرگ برحای سرمایه دار اسحاق، مبارزه، سروری" "استاد پان را وادار به عقب سستی کرد. با سدار دیگری که مشوه ما موران ساواک از بالای یک دکان از کارگران عکس می گرفت تا فریاد "مرگ برساواکی" مواحه سو فرار نمود. انبوه جمعیت ۱۵۰۰ نفری کارگران که با دادن شعارهای "اتحاد، زحمتگان اسحاق، کارگر بیروز است، سرمایه دار سلود است" از زهر براندام حاسان سرما پیداندا خته بودند، و در فرمانداری شده و از فرماندار خواستند که به قول خود عمل کند. فرماندار رخطا به بیکار کارگران گفت: "من کار رندا ر که از جیب خود در بیایم و برمی بینم، شما طرحی بی داریم که بزودی آماده می شود." کارگران حق بیمه بیکاری را مطرح کردند اما فرماندار با بی اعتنائی، همان حرفهای معارفش را تکرار کرد و گفت: "روز شنبه تعدادی از شما را به نی بیری می فرستیم؛ البته نی بیری را بصورت هیکتاری به شما می دهند." از آنجا که کارگران می دیدند فرماندار سعی دارد پس از آنهمه وعده بجای ایجاد کار ردا نم، با گماردن عده ای بکار موقت بدون هیچگونه تضمین جانی، آنها را برای مدت کوتاهی مشغول نماید، با حرف او مخالفت نمودند. با لایحه قرار شد که روز شنبه در مدرسه، شورای کارگری تشکیل شود و توسط آن طرحهای مهیا شده بین گروههای کارگران تقسیم شود.

بفیه در صفحه ۱۵

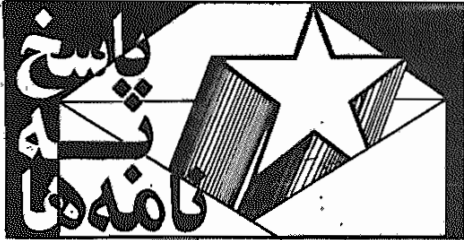
## کمیته دفاع از کارگران مبارز اخراجی را برپا سازیم

بنا بر این با تشکیل کمیته دفاع از کارگران مبارز اخراجی توطئه جدید ارتجاع را تحت پوشش "پاکسازی" خنثی نموده و نقاب از چهره آریه آتسار برداریم

"پاکسازی عوامیل مزدور کارفرما، عناصر مزدور و وابسته، تنها توسط شورا های واقعی کارگران مبارزان میسر است" "اتحادمان ما من پیروزی ما است" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (حوزه ما زندران)

کارگران مبارزان با متشکل نمودن نمایندگان آگاه و مبارزان کارخانجات، کمیته دفاع از کارگران مبارز اخراجی را بمنظور خنثی و درهم شکستن توطئه جدید فدا انقلاب تحت پوشش "پاکسازی" برپا داشته و با تشکیل صندوق تعاون جهت کمک به کارگران اخراجی، برآنها داختن جلسات عمومی در کارخانجات، راهپیمایی و سخنرانی های افشاگرانه، تحصن و اعتصاب ندای حق طلبانه خود را بگوش هموطنان خود خصوصا عنا صرنا آگاه جهت افشای این توطئه برسانند.

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



رفقای خواننده!

هر هفته نامه های زیادی از شما دریافت میکنیم که حاکی از دقت نظر و برخورد فعال و مسئولانه و انتقادی شما به نشریه پیکار و برقراری لیتها می باشد. هر چند در این صفحه پاسخ به همه نامه ها امکان ندارد ولی ما کوشش میکنیم به نامه های که جنبه محسوری دارند و بر روی مسائل انگشت میگذازد که برای بسیاری از رفقا مطرح است پاسخ دهیم. اما این بدان معنی نیست که ما بیرون نامه ها برای ما کم ارزش هستند، بلکه بجای آن می توان گفت هر نامه ای که از یک رفیق نوشته خواننده بدست ما می رسد، ولو اینکه حتی به یک نکته کوچک اشاره کرده باشد از نظر ما مهم و در روند کار ما تاثیر مثبت میگذرد. وبه همین علت ما خواهان ارسال نامه های بیشتری از جانب شما هستیم. در این مورد از رفقا می خواهیم که یکبار دیگر پیکار ۶۲ صفحه ۶، با پاسخ به نامه ها را مطالعه کنند.

نکته دیگری که در اینجا ناگزیر از ذکر آن هستیم **اعفاء و تاریخ نامه ها** است که متاسفانه هنوز عا بیست نمی شود. رفقا! نامه ها بابت را با اسم مستعار (ویا دو حرف) برای ما ارسال دارید تا در پاسخ به نامه ها دچار اشکال نگردیم. تاریخ ارسال نامه را هم حتماً فراموش نکنید تا این توضیح در اینجا به دو مورد از نامه ها با پاسخ میدهیم:

### سلام به بچه های من، کمونیستها

متنی که ملاحظه میکنید نامه رفیق مادری است که برای سازمان ما فرستاده است:

سلام به بچه های من، کمونیستها!  
سلام و درود به کسانی که هر لحظه از زندگی خود را وقف کوشش در راه های مبارزه های مردم زحمتکش کرده اند. بچه های خوب من! از شما متعجبم که در این راه قدم گذاشته اید. من سه تا بچه با هم کمونیست هستم. دو پسر - کارگر و دو دختر دبیرخانه ام. خواهان نامه های از شما - من خوشحالم که بچه های من از کارگران و شما زحمتکشان حمایت میکنند. من در راه هدایت شما درست است و پیروز می شوید.

بچه های من! از راهبان منحرف سوسیالیست بهمنیهای دشمنان خود کوس بدهد که آنها حتماً بکشد و بخورد چون حریف بیرونی است. من دلم میخواهد که به شما کمک کنم ولی حوس نتواند. کاری اردسم بر نمی آید. بدهد که شما در این اعلامیه های سازمان کمک میکنم را در اختیار برای سخن و شروع در میان بوده ها آماده اید. من حوس کمک میکنم که هر چند - حرسه ما با آنجا که مسرت است کمک م.

موقع ما شد یک مادر  
۵۹/۴/۲۷

پیکار:

### ما در مبارزه و همسنگ در مبارزه!

درودهای بیکران ما نشانها و شما ما در این مبارزه و تجدید عهد با احساس انقلابی شما نسبت به سازمان بیباک و صحت را خونین و انقلابی ما میباشد. همچنین احساسات بی شائبه و پشتیبانی مادی و معنوی شما و امثال شما ما را در مبارزه خونینمان در سنگرزحمتکشان بیش از پیش استوار میسازد.

ما بیباک انقلابی شما را به تمام کارگران و زحمت - کشان و خلقهای تحت ستم، به تمام ما در آن زحمتکش و رنج دیده و بیهوده انقلابیون کمونیست میراث نیمه ستم با بداند که هستند ما در آنی چون شما، که با قلبی سرخ و کینه و رنج نسبت به دشمنان طبقه ای کارگران و زحمتکشان در سنگرزحمتکشان میروزم. ما در آنی که چه بسیار فرزندانی همچون احمد موه ذنبا، علوی شوشتریها، دانیالیها، نوریها، بیشرکه های شهیدی همچون نجمیه ها، ستایشها و فقیرها، که کف و آدها و شهدای دیگر تقدیم راه را می کارگران و زحمتکشان و خلقها نموده اند. ما در زحمتکش ما!

احساسات انقلابی شما را می ستایم و دستهای مهربان و رنج دیده تان را برای تجدید میثاق انقلابی خود با تمام ما در آن دلاور، بگرمی هر چه تمام تر می فشاریم.

درود بر تو ما در مبارزه



### سایچه انشعاب در سازمان

مسئله دیگری که بخصوص در هفته های اخیر تریع شده و رفقا در این مورد برای ما نامه نوشته و از ما توضیح خواستند. نامه انشعاب! در سازمان به خاطر اختلاف بر سر سوسیال امپریالیسم است! در این مورد قبلاً از اینکه ما به پاسخ ورد این شایعه بپردازیم بایست متذکر شویم که این قبیل شایعات از جانب سبب دو دسته اید من زده میشود:

**اول -** رویزیونیستها و دشمنان جنبش کمونیستی که آمال و آرزویشان نزل و افت اید شولوزیک سیاسی نیروهای م. ل و مملاتی شدن سازمانهای کمونیستی است. آنها بطور آگاهانه برای تحت فشار قرار دادن و ما بوس کردن هواداران مخصوص دانش آموزان و دانش - جوانان هواداران سازمان مرتب تخم شایعه می پاشند تا آنان را نسبت به سازمان خودی اعتماد سازند و بدین ترتیب راه نمودن اید شولوزی و سیاست رویزیونیستی خود را در میان این قبیل هواداران هموار سازند.

**دوم -** احزاب گراشیای روسی و صفت طلبانه، سروس و حش کمونیستی این قبیل گروهها بدلیل بداندی دندکا سوده ای در مبارزه طبقاتی، بدلیل دندکا های انحرافی و خرده بورژواشی در مبارزه اید شولوزیک همواره در خود را در کوبیدن و سلبه برانگی علیه سازمان ما می بیند. آنان بدلیل گراشیای غیر پرولسری خود از نمودن در بین زحمتکشان و روسیگران عاجز و بیکی اروسا بل نفوذ و کسرتش خود را در کوبیدن سازمان و تخطئه مواج آن می بیند. آنان سنگ نظر به سازمان ما بمانندند که رقیب!

نگاه میکنند و تلاش میکنند با بدبین کردن هواداران، جوان سازمان آنها را بصمت خود جلب نمایند.

همینطور آنان در زمینه مبارزه اید شولوزیک از بیان صریح و آشکار مواضع خود ظفره میروند. نسبت به پایه های اید شولوزیک مورد دعای خود لاقیدند و تلاش میکنند برای طبیعی جلوه دادن این مسئله سازمان ما را نیز چنین معرفی میکنند. ارزیابی از شوروی به عنوان یک کشور سوسیال امپریالیستی که یکی از بنیان اعتقادی سازمان ما است، از جمله این موارد است. تا بحال گروههای تلاش کرده اند که مواضع و گرایشات رویزیونیستی خود را در برخورد به سوسیال امپریالیسم شوروی بطور غیر مستقیم با عنوان ایسن شایعه که بیکار نیز نسبت به این مسئله متزلزل است بیوشانند و در بین هواداران اغتشاش فکری بوجود آورند و در همین رابطه است که آنها شایعاتی از قبیل انشعاب بر سر سوسیال امپریالیسم در سازمان را در بین هواداران پخش می نمایند. وظیفه رفقای هواداران در هر دو مورد روشن است. در مورد رویزیونیستها مشکل همیشه سیاست طرفداری فاشی، کمال و بر ملا کردن اهداف این قبیل شایعه پراکنشها را با یادر پیش گرفت.

در مورد رویزیونیستی هواداران بایست ایسفا و بر ملا کردن این قبیل برخورد های روشنفکرانه و تفرقه افکنانه بر خورد میثیت خود را در پیشبرد اصولی مبارزه اید شولوزیک و مبارزه طبقاتی نشان دهند. و سعی کنند که این قبیل گروهها و هواداران آنها را که اغلب مادی هستند به موضع اصولی بکشانند و در مسیر اصولی با آنها برخورد نمایند.

با این توضیح، متذکر می شویم که سازمان نیز از هر زمان دیگر بر مواضع و بنیادهای اید شولوزیک مورد اعتقاد خود و منجمله اعتقاد به تز سوسیال امپریالیسم استوار و در درون خود دارای وحدت است. ما در آینده نزدیک کوشش خواهیم نمود تا حاصل تلاش های شورویک و مبارزه اید شولوزیکی خود را در این زمینه، که پایه مادی وحدت درونی سازمان را فراهم نموده است، در سطح جنبش منتشر کنیم. همچنین کوشش خواهیم نمود تا در حوضان شورویک - اید شولوزیک خود، کلیه تلاشهای رویزیونیستی برای ایجاد تزلزل در صفوف جنبش کمونیستی نسبت به این "تنز" و کلیه تزلزلات و عقب گرد های اپورتونیستی در این زمینه از جانب برخی نیروهای م. ل را به زیرمهمی مبارزه اید شولوزیک برولسری و وحدت آفرین فراردهم. سرور با شند.

### رفقا!

- با تلاش هر چه بیشتر بیکار
- را بخش کنید.
- با هر امکانی که دارید تمام
- یا برخی مقالات و مطالب
- پیکار را تکثیر و پخش
- نمایید.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

# خلقها ومسئله ملی



## مبارزه خلق کرد در شهرها همچنان ادامه دارد

سفر ۵۹/۴/۱۶

مبارزه خلق کرد در شهرها همچنان ادامه دارد

در ساعت ۸ بعد از ظهر این روز عده ای از جوانان مبارزان انقلابی سپهردمدان هلهو جمع شده و نادان شعار و روحانند سرود پشتیبانی خود را از بیسمرگان میمان اعلام کرده و ندا و مجلسی مقامت را حواسنا رسدند. همچنین در این گروهها ثی خواستار آزادی زندانسان شده. نظا هرکنندگان با سلک سرهوا ثی ارتس و پاسداران و جانشینا کده سدوسا ردنگردرچهارا ه آزادی نهیکدنگرسوسند. در آنجا سزسا سارا نچار خودرا نسبت به ارتس و پاسداران و جانشینان دادند و از مبارزات بیسمرگان میمان ن سسبیا ثی نمودند. این نظا هرات بعدا زتیراندازی پاسداران ارتساج و ارتس مدخلی تمامند.

در روز ۵۹/۴/۱۸ توسط جوانان مبارز سفزخود ۱۵ دقیقه نظا هراتی بهمانند نظا هرات ۵۹/۴/۱۶ در میدان هلهو نجا مگرفت که بیش از آمدن عوامل رژیم پراکنده شدند.

چند روز قبل از این حرکت (در ۵۹/۴/۱۵) فرمانده ژاندارمری و نما بنده ما م در مسجد جامع و در حضور فقط ۲۵ نفر گروهی مسلح گروهبی و هیای سیاسی و هادار- انش را محکوم کرده و به عبت مسازین و انقلابیون را تهدید نموده بودند.

۵۹/۴/۱۸

کشتار مردم بیگناه

ساعت ۳ با مدامدیک جوان که بدنبال فریادیکسی از همپاها که "زده امده" از خانه خارج میشود مورد اصابت گلوله پاسداران قرار گرفته و کشته میشود. در مقابل اعتراض مردم موخا نوا ده کشته شده، یکی از سران ژاندارمری سفز گفته است میخواهیم از ساعت ۱۰ شب حکومت نظا می اعلام کنیم.

۴/۱۷/ هنگام خروج یک ریوا از شهر بیرزنی توسط آن زیر گرفته شده و کشته میشود به گفته فرمانده ژاندارمری را ننده با زدا شت شده است.

اخراج کارکنان مبارز تحت عنوان "پاکسازی"

۵۹/۴/۱۹

اخراج کارکنان مبارز تحت عنوان "پاکسازی"

در این روز در ادا مه حرکت فدا انقلابی و عوامعربانه ای که اخیرا رژیم تحت نام "پاکسازی" ادارات راه انداخته است نیک هیئت به سمارستان سفز رفته و حدود ۳۱ نفر از پرسنل و پرسناران بیمارستان را با اصطلاح "پاکسازی" میکندند. این عمل بدون هیچ دلیل موجهی

## خون سرخ هر پیشمرگ

نکدار خوشه های مارا دانه، دانه دروکتند  
نکدار امبررکنا رملسلطهای دسمن  
خواب، اردیده طفلان ما ربا بد  
ودل رفقای ما ازتسیدن با زاستند  
نکدار، رعدها بر سرهای ما بوحه سراثی  
کند

نکدار قتره بوکرا میرا لسم، "ارتساج"  
سپی موفعت کذا ثی را کسد

اما ای سترگان دلبر

ای سکارگران همزم

بخروشند

بخروشید

خون هر سهندمان

این حوسا رحسبمگران شوده ها

که ردل هر رفیقمان منجوسند

توسدی است برای ایجادیرجم سرخ

خون هر "کاک عطا"

خون سرخ هر پیشمرگ خلق

توسدی است برای نگاشتی

سفر ۵۹/۴/۲۵

فعالیت بیسمرگان قهرمان

ساعت ۱/۵ با مدامدیک دسته از بیسمرگان در شهر درحما ن گرم آتادیک جیب ارتشی را است داده و سس سکلولوه می سدند در آن جویان که دوپا سدار خود را ارماسس با شس ادا حته بود سدا سترگیگیرند توسط بیسمرگان دستگیر شده و حپب از محل حادثه بشرون میروند که ارتسدا دتلفا ب حپب خبری در دست نیست و دو پاسدار را سمرگان با خود می برند. مردم عکس العمل خوبی در مقابل بیسمرگان نشان میدهند (طبق گزارش از محل حادثه) در ضمن یادگان کوهپهای اطراف را میکوبید.

در حبان دستگیری پاسداران ارتساج او را رحمی کرده و مورد شکنجه قرار دادند و پس از آزاد شدن او را به زندان منتقل کردند. سرانجام طوما رزنگی براننخا را س انقلابی خلق ترکمن "عبدالله قزل" در سحرگاه روز پنجمین سحر "فدست ما انقلاب اسلامی" و در حقیقت بجرم دفاع از خلق زحمتکش ترکمن، در هم پیچیده شد.

ساده گرامی باد

خبر دیگری از ترکمن صحرا حاکی است که یکدیگر از زندگان خلق ترکمن بنام "حالی حالی زاده" در آستانه اعدام قرار گرفته است.

عصر روز پنجمین روز ادا شهید "عبدالله قزل" با سداران مزدور در "آ قالا" دونفر از مسازین ترکمن این شهر را کما بقه طولانی مبارزه با زمینداران و... داداشته اند دستگیر کردند. هم اکنون در منطقه موج وسیعی از دستگیریهای عناصر مبارز ترکمن... جریان دارد.

## یک رزمنده ترکمن اعدام شد

رژیم جمهوری اسلامی در دنباله حنا با س شمار خود در سرکوب خلقهای ایران، سوزده خلق دلاور کرد و در ادا مدام انقلابیون کموسست و دمکرات، سار دیگر دست به اعدام مدخلی انقلابی دیگری زده است. در سحرگاه پنجمین ۲۶ سیرماه یکی از رزمندگان - انقلابی خلق ترکمن بنام "عبدالله قزل" - سه خوخوا ادا مسپرد شد "عبدالله قزل" از جمله انقلابیون ترکمنی بود که همراه با چهارتن از رهبران خلق ترکمن، نوماج، محتوم، واحدی و حرجا ثی در جهت نامین مسافع خلق ترکمن مبارزه میکرد. او که از معلمین آکا هوسا رزمیندوست بود، به جرم دفاع از خلقش، در جریان جنگ خمیلی دوم (۱۹ بهمن ۵۸) با سارت دشمن در آمد، نقش فعال او هما نند دیگر مبارزین در مبارزه خلق ترکمن، برای همه مردم آگاه ترکمن صحرا روشن بود.

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



### رادیوهای امپریالیستی و صدا و سیما جمهوری اسلامی، علی‌رغم اختلافاتشان يك هدف دارند:

#### مخدوش ساختن مرز انقلاب و ضد انقلاب

مدتهاست که رادیوهای امپریالیستی در سلطنت خود، بر علیه رژیم جمهوری اسلامی سخن می گویند. اولین سوالی که مطرح می شود، اینست که چرا این تبلیغات صورت می گیرد؟ ما در این مقاله می کوشیم بر اساس واقعیت عینی جامعه و سانسهای امپریالیسم بطور مشخصی به این مسئله پاسخ دهیم، ابتدا به یکی از مسائل اساسی جامعه خود میسریم.

#### توده ها از رژیم روی بر میگردانند

گرانی سرسام آور ما بحتاً اولیة زندگی توده های سبکاری، از زمین بردن حقوق دموکراسی و آزادیهای سیاسی و... شرایط ظالمانه سیاسی برای زحمتکشان میهن ما بوجود آورده است. این گرانی و تورم و سگاری بظاطریست؟ جز اینکه رژیم جمهوری اسلامی تا حفظ وابستگی ها به امپریالیسم، تا ترمیم سیستم سرمایه داری وابسته و کوشش برای بازسازی کامل این سیستم ضد خلقی، تنها می بیند و بیاماری ها و بحرانهای امپریالیستی را به میهن ما منتقل می سازد و از حملات گران، فقر، فلاکت و ستمگری را به زحمتکشان ما هدیه می دهد.

سرکوب خلقهای کود و نرگمن، کارگران، دهقانان و خلاصه زحمتکشان و انقلابیون منافع ممانع بوده ها و لگدکوب کردن دیبا و ردهای صنایع مومیس بهمین ماه، بیش از پیش به توده ها نشان می دهد که این رژیم ستمگر می گوشتا سرکوب، کشتار، خفقان، گرانی، سبکاری و خلاصه همه آنچه چیزی را که خدا طرباً بنودیش بقیا مبر خواسته بودند به آنها هدیه کند، چرا که این پدیده ها، از ملزومات رژیم سرمایه داری وابسته است. خوب، بسی آندش روشن است: توده ها بتدریج از رژیم روی بر می گردانند و هر چه ابتدا با نا آوری اما سرعت، رهبران مورد اعتماد را در مصوف دسمن می یابد، توهم می شکنند و لشکر توهم زده رژیم جمهوری اسلامی کوچک و کوچک ترمی شود.

در چنین شرایطی رژیم هر اسان میگوید با لظا شف الحیل از افتادن در سراسب انفرادی جلوگیری کنند "بیت الله خمینی" مرتب سخنرانی میکنند و رژیم میگوید از اعتبار روی و نیز از احساسات باک مذهبی توده ها و... استفاده کند. خمینی از مردم میخواهد که در نماز جمعه شرکت کنند و تکرانی خود را از کا هت نماز - گزاران جمع" اسرازمیدارد. جناحهای دیگر هیتت حاکمه هر یک میگوشتا عامل بران، گرانی و سرکوب زحمتکشان را به جناح دیگر حواله دهند و در این راه همه با حقد قدرت بیشتری می گردند و هم با بیسه توده ای طرف مقابل را بخورند و نیز بخصوص خود را بیگناه جلوه داده، از شکستن توهم توده ها نسبت به جناح خود - شان مانع شوند. چنین است که فشار جنبش توده ای و بریدن بختهای بیشتری از مردم، با لایها را بیشتر و بیشتر بجان هم انداخته است.

اما طبیعی است که امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها با دقت اوضاع ایران را مورد مطالعه قرار میدهند و با زهم مسلم است که میگوشتا توده های کنده شده از رژیم جمهوری اسلامی را بسوی خویش جذب کنند. اکنون به سیستم در شرایط کنونی میهن ما، که رژیم جمهوری اسلامی روز به روز چهره ضد مردمی اش را

آسکار کرده، با نواستن رادبر آوردن ابتدائی - برین حواست بوده ها بسرو سراسر آشکاری کند و توهم بوده ها سرعت سنکند، امپریالیسم در سلطنت و وسع خود و سیزد رادیوهای امپریالیستی اس حه اهدای رادتمال میکند.

#### امپریالیسم آمریکا "وحدت و تضادش" باز رژیم جمهوری اسلامی

کفنه ام و با زهم میگویم، امپریالیسم و جمهوری اسلامی ایران بر سر اساسی کامل ستم سرمایه - داری وابسته و سرکوب زحمتکشان تا یکدیگر و وحدت دارند، اما علیرغم این وحدت با مقدس بر علیه انقلاب، با یکدیگر در تضاد دهنر هستند. سرمایه داری - وابسته ایران که قدرت سیاسی حاکم با تمام حوا در حفظ و حراست و بازاری آن میگوشت، وابسته ها امپریالیسم حیاتی است. اما در کنار این جنبه های اساسی "وحدت" امپریالیسم رژیم، رژیم جمهوری اسلامی کار گزار امپریالیسم بوده و در میان امپریالیستها در نوسان می ناسد. اس امر حه "تضاد" مسئله را توضیح میدهد هشت حاکمه ضد خلقی ایران گرچه بطور اساسی در خدمت حفظ وابستگی ها امپریالیسم قرار دارد، اما، بهیچ وجه هر مونی یک امپریالیست فاش را (مانند زمان شاه) بر خود نداند.

در سبب آن که حکومت مطلق در سازش با امپریالیسم آمریکا بتدریج رسیده ولی تجربه ۱۶ ماه گذشته نشان داد که این حکومت بدلیل ناتوانی اس در سرکوب مطلق ادا مهربان را تفتد امپریالیستی و دموکراتیک بوده ها و وضعیت در سروسامان دادن به اوضاع از هم گسیخته اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و بازاری ستم سرمایه داری وابسته (هر چند حکومت کنونی عمقاً از کل نظام اقتصادی - اجتماعی موجود در گذشته ها منع نضوده) نتوانسته است بر اوضاع مسلط و خود را در قدرت سیاسی کا ملانتمت گرداند. امپریالیسم آمریکا در ارموح نوظفنده مبارزات توده ای خلقهای ما تاگزیر شد مبره دست نشانده خود سعی شده جلادو خاش را به نفع حکومت مطلق قربانی نماید ولی امیدوار بود اس حکومت هر چه و در تر خود را بر پایه سرکوب و کشتار خلق در قدرت سیاسی تثبیت نموده و نظام اقتصادی - سیاسی موجود را در جهت حفظ منافع ضد خلقی و غارتگرانه امپریالیست ها بازاری نماید. اما حدت بحران انقلابی و روند رشد و اعتلای جنبش از یک طرف و اختلافات بین دو جناح مقتدر در هیتت حاکمه از طرف دیگر تا حال مانع از تثبیت اوضاع بوسیله اسن حکومت بشود. از همین لحاظ هست که هم اکنون حکومت نمی تواند مورد نظر و دلخواه آمریکا باشد.

بنابراین مسئله رادیوهای امپریالیستی را بخوبی می توان بر اساس مسائل فوق تحلیل کرد و نشان داد که شکستن تدریجی و روز افزون توهم توده ها از یک طرف و "وحدت و تضاد" امپریالیسم سرمایه داری اسان ایجا در رادیوهای امپریالیستی است. این مسئله را اکنون بیشتر توضیح میدهم.

#### روی برگرداندن توده ها و تاکتیک ایجاد "پوزیسیون" فوق ارتجاعی

گفتیم که توده ها بطور روز افزونی از رژیم روی بر میگردانند، حال نشان میدهم که در مقابل این

واقعیت امپریالیسم دست به چماکسکی می زند؟ امپریالیسم می گوشتا از طریق گسترش و وسعت شبکه های مختلف سلطنتی همچون "رادسو آزاد" متعلق به مختار، رادبر اسراشل، رادبر آمریکسا، سیکلحن سراسکی انگلستان سی بی سی، بلیند گوهای رژیم یعنی عراق میل رادبر عراق و... استفاده از ارتجاعی های روز افزون توده مردم از رژیم جمهوری اسلامی، سگ ایورسون (موق ارتجاعی و با چهره لیبرالی شکل داده و در ضمن اعدان عمومی را برای اقدامات ضد خلقی و فساد خائنه خود مانند (کودبا و...) آماده سازد. (السه بعضی ایسی سگه های سلطنتی سها به شکل دادن ایورسون فوق ارتجاعی و زمینه سازی برای کودبا میسند بلکه از طریق سراسر در رمزی می نماستند و اسن سراسری و بر اساس اقداماتی مثل کودبا، سسر (تفیده سگرت)، سسر سراسر اسر سسون سسون ارتجاعی را عمدتاً سمان، محصر صا سمان سار سسسه، سروز اسهای وابسته امپریالیسم افشار مرتبه، سگران حاسرا، ارتجوی و... سکنیل مدهسد.

اس ایورسون در مقابل اقدامات سرکوبگرانه رژیم در گردسان، داسگا و... کذا اتفاقاً به سوسله اسادی خود همی امپریالیسم و سرخا جای هتیت حاکمه حاسم سگرد، سوسکا را به موقع محاسست میگردانند در میان توده های که از رژیم کنده میسوند یا سگا هییدا کند.

سبب سربساری سوسمن به اصطلاح! و سسش آرا دیبخت آمریکا سمان "بسی سمان ارتش شاهنشاهی اسلام آورده فلاسها و طهرتزا دها گردسان را به خاک و خون میسند و از سوی دیگر خود همی امپریالیستی که تک فلم ۲/۵ سلسا رده لا اسله، سماعطه سبزی مزدور در اختیار جمهوری اسلامی ایران (در مهر ۵۸) قرار مدهد با خلق کرد را با اسلحه آمریکا می و ارتش آمریکا می و صرا ننده آمریکا می کسار کند، از طریق رادیوهای امپریالیستی اس برای زحمتکشان بخون نبیده گردسان اشک سساح میریزد.

امپریالیستی که سوسله همین ساهان سبارها و با رها در سال ۱۳۲۵، ۱۳۲۸ و... گردسان را سکا و خون کشید و هم اکنون سزاسن فانونمیا و سببنا پالماست که خلق کرد را کسار می کند. در مقابل کشتار رژیم در گردسان موضع محالف میگرد. "بختار مزدور که در دیبا در سخنرانی اس سکتف همه اس سروسدا ها (منظور حرس سوا سسه خلقمان است.) زیر سسر کمونسسها سب و سسها اصلی کمونسسها هم، گردستان اس و این کمونسسها سخوا هندایران را سزیه کنند و... حالا در مقابل سرکوبهای خونین رژیم جمهوری اسلامی موضع محالف میگرد ما توده های که مخالف

(ه) - ایوزیسیون بمسای جناح مخالفی است که در چارچوب همان سیستم حرکت میکند. ایوزیسیون بهیچ وجه معنای مترقی و انقلابی ندارد. اس ایوزیسیون میتواند لیسبرالهای صدا انقلابنا شود و متواند سسک جریان ارتجاعی که متلاخواهان جاننشین شدن بر روی قدرت سیاسی حاکم وابسته با حفظ و ترمیم آن سیستم باشد.

کشتار خلق هستند را بسوی خود جلب کند. گویی مردم ، از یاد برده اند که بخشنده مزدور و دیگران سادی امپریا - لیسم برای منافع اربانان خونخوارشان در ایران حما مخون راه انداخته اند ، ز سرسختانم و از اصفهان تا کردستان را به خون کسیده بودند .

رادیوهای امپریالیستی از بحران و گران و... سخن می گویند ، بحران که دقیقاً ناشی از حفره - وابستگی به امپریالیست است ، دوستان و متحدین امپریالیسم در ایران معنی هشتت خاکمه ضد خلقی با حراست از سرمایه داری وابسته ، بحرانهای امپریا - لیستی را به همین ما منتقل می سازد ، و آنگاه همین امپریالیسم برای گران و کمبایی و... سرور صد راه می اندازد ، و بختیار مزدور نیز آنرا از بی کفایتی خاکمان می داند ، گویی مادری تمام این سالها که زیر سلطه امپریالیسم قرار داشته ایم (از جمله زمان شاه خا شن و بختیار مزدور) قحطی و گرسنگی و مرگ و میر کودکان و زخمگشکان مبین خود را شاهد نبوده ایم . رادیوهای امپریالیستی با تزویر از کشتار همسا ، زندانها و شکنجه های رژیم جمهوری اسلامی یاد میکنند گویا ما در زمان رژیم شاه جلاد و بختیار را هدخفا ن بار ترین و خونین ترین لحظات تاریخی سپهمنان نبودیم ، آری رژیم جمهوری اسلامی نیز انقلابیون را تیرباران می کند ، شکنجه می دهد و زندانها را از زخمگشکان پر می سازد . امپریالیستها که دسائسنگسان خونین است و خود جزو عاملین اصلی و کشتارگران و شکنجه دهندگان واقعی انقلابیون ایران بودند حال می گویند مردم ما را فریبند ، مردم ما می دانند اگر رژیم جمهوری اسلامی کشتار می کند شکنجه می دهد ، بخاطر حفظ منافع خود و آن سیستمی است که امپریا - لیستهای ایران سوار هستند ، همان حنا سنگارانی که خود در سالهای ارا کمیت رژیم شاهها می مجاهدین و کمونیستهای را بدرنده ترین شکلی کشتار می کردند . حال در رادیوهای امپریالیستی شان برای سرکوبی مجاهدین بدست دوستان و متحدین خود ، هوجمگری می کنند .

آنها که مسئول به فتحنا کسده شدن هزاران سوزختران بیگنا و فقیر و تنگدست سپهمنان در دوران خاکمیت شاه و بختیار (اللسا) امروز نیز رژیم خاکم در این جنایات سهم است (بودند) ، حالا زدرنده شدن لسان و روئری دحسان انقلابی بدست اربانان رژیم جمهوری اسلامی و ساداران ضد انقلابی این بگرا اند و مضطرب گشته اند!

رژیم جمهوری اسلامی دانسگا هپا را بحون منکسو می بندد تا کمونیستها و انقلابیون را بحت فشار بگدارد و سگتر آزادی را بحال نا ظل خود صخ کند و آنسگا ه رادیوهای امپریالیستی که می دانسد بوده ها بحه حداد سگا ه را عرزمی دارسد ، سوچه ساری می کنند ، آنسگا مردم ما فرا موس کرده اند که همسان در زمان پاه چگونه دانسگا ه را بخون می کسند و سارا می - جواسسد آرا سسد ، دولی بحت فشار بوده ها محبوره عقبنسی می بندسد .

"ساروسوی سراموری" است ، رژیم جمهوری اسلامی نبود امپریالیسم آمریکا سوط انادی اس حسون صلاحیا ، سادامپرها ، بظ راده ها ، بپسی ها ، بسدیا ، جیرا بیا حنا سب می کند و آنسگا ه امپریالیسم "عاسد" سد ، موصع مخالف می کسد ، امپریالیسم که می دانسد بوده ها روروسوسر رژیم جمهوری اسلامی را می - ساسسد ، ساکپان "خا می" خلقها و رحمکسان ما سده

است تا خلق ما را بسوی خود بکشاند ، اما "اپوزیسیون" سازی امپریالیستها فقط یکی از اهداف آنسان در اجا در ادیوهای امپریالیستی است ، چرا که آنها ، اینرا نیز می دانسد که توده های زخمگش آگا ه شده این "گریه عابد" را بخوسی می شناسد .

**سیاست امپریالیسم**

**هم از توپره ، هم از آخور**

امپریالیسم آمریکا می سیند که قطب انقلاب روز به روز نیرومندتر می شود و انقلابیون کمونیست و نیز مجاهدین خلق بصورت قطبی درمی آند که توده های کسده شده از رژیم را بسوی خود جلب می کنند ، این واقعیتی است مسلم که امپریالیسم غیر غم تلاش در جهت جلب بخشی از توده های نا آگا ه همین رادیو دیگر امکانات تبلیغاتی ، نمی تواند و واقعیت وجود نیروهای انقلابی را نبیند و حتی نفهمد که از این نمده ، کلاه برای او نخواهد بود ، سدین ترتیب علاوه بر تلاش برای "اپوزیسیون" سازی او از این رادیوها بعنوان ابزاری برای تحت فشار گذاشتن رژیم ، برای حل نشادها بسود امپریالیسم و تقویت عوامش در درون هشتت خاکمه و با جناحی که احتمال بطبق سیاستها بمان با بکدیگر سبتراست ، استعاده می کند ، اما بجرا اپوزیسیون سازی و کوشش برای تقویت عوامل خود ، امپریالیسم منفعیت عظیم دیگری را در این راه در دسوها برای خود جستجو می کند و آن محدود ساحتن مرزا انقلاب و ضد انقلاب و ضربه زدن به نیروهای انقلابی و کمونیست به مبارزات خلقی کرده ، داسنجویان انقلابی و دیگر زخمگشکان مبین ما ست .

هنگامی که امپریالیستها که خود دشمن خلق کرد هستند ، برای کردستان انگ تمساح می ریزند ، از نسکو می خواهند در مان سوده ها که مخالف کشتار خلقی بپیمان کرده سسد ، سانسگا هی برای خود سد اکتند و از طرف دیگری جوا هند سانسگان را به رژیم جمهوری اسلامی بدهند تا جارجنرال راه سندا زد و انقلابیون را واسسه ها امپریالیسم بخواند ، از یک طرف توده های کسده شده از رژیم جمهوری اسلامی را با مخالف دروغش با کشتار و سرکوب ، بسوی خود کشاند و از سوی دیگر بخاطر آن حنسا ساسی وحدت طلبانه رژیم جمهوری اسلامی با مخدوس کردن مرز سانس انقلابی و نوکوران خود ، موجب سوسا رژیم ، انقلابیون و زخمگشکان را "واسسد" بخواند و سدین ترتیب ، امپریالیسم هم از سوره میل می فرماد و هم از آخور .

"سوی" کالمی است ، رژیم جمهوری اسلامی ایران در ساداری از سزما به داری واسسد از هخ حناسسی فرو کدار سسی کند ، سوده ها سد ریح از رژیم کسده می - سوسد رادیوهای امپریالیستی موصع مخالف می گسند و سوس رژیم جمهوری اسلامی سرخ سرن سسمنان امپریالیسم را کسارا امپریالیسم قرار میدسد ، در زمان سانه سزما طرفدا سسم که انقلابیون "سگانه وسگاسه پرس" معرفی می سدسد ، در روزها سها و رادیسو بلوسزون ساهنسا هی ، کمونیستها و نیز مجاهدین را "واسسد" ساسی معرفی می کسد و سد... اکنون سسز رژیم جمهوری اسلامی ، زخمگشکان و انقلابیون را که سارما به داری واسسد و قدرت سیاسی حامی آن در سسزسد ، سانسگانه و بحب آمریکا شی و پارسوسی اقل سناد می کند ، اما این توطئه کپنه شده است و توده ها کسسه کمونیستها و انقلابیون واقعی را در زمان شاه سساد دارسد ، خا طرها ن هست که در زمان رژیم شاه خا شن این کمونیستها و نیز مجاهدین خلق بسود س که بدست ابادی

امپریالیسم آمریکا بسرحما نه سکنجه و تیرباران می بندسد و نه میوه چینا ن حکومتی که در آن دوران سادر خا رچ مشغول تفریح و درس خواندن سوند و سادردا خا ل مشغول سندوست با "شاهنشا ی عظیم السان" ، و طبیعی است که هر چقدر با وده های شاه خا شن مبین "برنوسکر اجنبی بودن" انقلابیون توانست ، توده ها را از انقلابیون جدا کند ، اسنان سزخوا هند تو است خاکبه چشم مردم بپا سسد .

**اهداف رادیوهای امپریالیستی را**

**زند توده ها افشا کنید**

نشان دادیم که چگونه امپریالیسم وحدت خویش را با هشتت خاکمه در مخدوس کردن مرزا انقلاب و ضد انقلاب در اجا در ادیوهای امپریالیستی و نیز تضاد خویش را با اپوزیسیون سازی و اعمال فشار نشان می دهد و ما وظیفه ما در این قبال چیست ؟

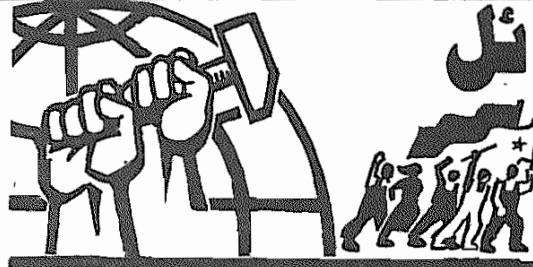
روزیونیستهای خا شن توده های وسه جانی که حسان نشان روشن است ، می کوشند آب به آسباب هشتت خاکمه ضد خلقی سربزند ، روزیونیستهای "کمیتسه مرکزی" سازمان جریکهای فدائی خلق (اکثریست) نیز سها نظور که در کار ۵۹ نوشته اند از کسده شدن توده ها از رژیم هراسان سده و می کوشند تا توده ها را همچنان سها بده هشتت خاکمه سدل سازسد ، مجاهدین خلق نیز در ادا مه ساستهای لسرال ما سانه خود در قبال هشتت خاکمه گرجه در جهت جذب سوده ها بخود می کوشند اما عملا آب به آسباب سوهم توده ها می ریزند .

اما کمونیستها هرگز سادمانی خود را از کسده شدن توده ها از رژیم ضد خلقی حاکم سیمان نمی سازند و وظیفه دارندان توده ها را آگا ه و متسکل کنند ، سدین ترتیب کمونیستها و طبعه دارندان با افتتای ساستهای ارتجاعی رادیوهای امپریالیستی از کسده شدن توده ها بسبب انادی امپریالیستها جلوگیری کنند و ساسا منسرو خیا نت خود را سوده ها سانس دهند و ساد حذب توده ها مانع از آن سوسد که مردم سیکه بی به جنایات رژیم حاکم برده اند ، فریب سدرنگیای جریانات ارتجاعی دیگرسا بادی امپریالیسم آمریکا و رادیوها و تبلیغات - سانس چه فریب روزیونیستهای خرو صطفی و اسادی سوسال امپریالیسم روسی و چه فریب سه جانی های خا شن سانسرا لها و... را خورسد .

ما وظیفه دار سیم با اسای ارجاع در هر لباس ما ع از جذب سوده ها سانس شده خود را بمانه ستنه سانس آلترونا نسوی که می توانسد سخواستهای تاریخی شان بساخ دهد مطرح سازسد .  
مطبوعا بس رسمی رژیم جمهوری اسلامی و در رادسو و بلوسزون ارتطیق ساسور حناسی و سسریان اسخار غبر واقعی که صرا در انطفاق با ماصع رژیم سساد و همچنین ساسا عه افکار ارتجاعی کوس می کسد سوده های زخمگش حاصه را از اوصا ت دور سگده اسه و موجب تا سودی خلاصت و آگا هی سوده ها سوسد ، سانسوز حناسی سسسا اسزجا سمر در ساست سهر رژیم سانس می زید بلکه سوده ها رایسرس مسو حه رادیوهای امپریالیسم لسب ها کرده و صحت ساسیرا افکار ساد سانسرتجا شی وفد اسانسنی آنها فرا میدسد . هم اکنون ساسور حناسی دسگا هیای تبلیغاتی رژیم سو صقف نشریات سنیروهای انقلابی و ضد امپریالیست که مروحین و مصلحین واقعی افکار انقلابی و ماصع طفا سنی توده ها سسد عملا بحسی از سوده های زخمگش ما را در برابر سلسلسا ت گسزده امپریالیسم ها کسده خسی از آن سوسط همسنان



# اخبار و مسائل جهانی



## چین، بازگشت سرمایه داری

ما با رها گفته ایم رویزیونیسم در قدرت یعنی بورژوازی در قدرت، بمعنای دیگر کامیت خط مشی رویزیونیستی بردستگاه حزبی و دلیتی بیان جا کمیت بورژوازی نوین ونا بودی دیکتا توری پرولتاریا می باشد. در شوروی غلبه تمام عیار رویزیونیسم - خوشحلی - بژونفی منجر به استقرای سرمایه داری گردید. و در چین نیز جا کمیت رویزیونیسم تنگ - هوا معنا ی دیگری جز با زگشت سرمایه داری نسبتوانست داشته باشد. برخلاف تبلیغات ارتجاعی سورژولتربا زگشت سرمایه داری دریکسری از کشورهای سابقا سوسیالیستی نتیجه ما رکسم - لنینیسم نیست، بلکه دقیقاً با زگشت سرمایه داری در این کشورها نتیجه انحراف از ما رکسم لنینیسمی باشد. رویزیونیسم که بمعنای ارتداد از ما رکسم است یک خط منافی بورژوازی بوده که در صورت جا کمیت خودکشور را به راه سرمایه داری میکشاند. و با زحرف تبلیغات ارتجاعی و امپریالیستی انحراف کشور سوسیالیستی از سوسیالیسم بیچوجه یک امر منحوم نمی باشد به همان دلیل که پیروزی انقلاب سوسیالیستی و احتمالاً سوسیالیسم دریکسری از کشورهای سوسیالیستی انکارنا پذیر تبدیل گشت. سرنگ ملی مبارزه طبقه ی پرولتاریا، بیروسی و کشف علل نا کامی های معطسی و تنگ ملی خلق ما رکسم لنینیسم آن امکان را فراهم خوا هد ساختن آنرا می های کنوسی از بین رفتن و ما رش ظرسون کمونسم مستحکمتر بخلورا هگشاند.

همانطور که ما فلان بیان کردیم (۱) بعد درت رسیدن جناح رویزیونیستی تنگ - هوا در چین و جا کمیت رویزیونیسم بردستگاه حزبی و دولتی این کشور حلات و شعرات مداخلاتی رویزیونیستی سر تمام دستاورد های ساختن سوسیالیسم در این کشور اوج گرفت. رویزیونیستهای مرتد در تمام زمینه های اقتصادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک بیرعت به پیاده کردن سیاستهای ارتجاعی و بورژوازی خود کوسیدند. آنان اگر چه بطور آشکار علیه احکام اساسی ما رکسم لنینیسم موضع نگرفتند، ولی در جوهر سیاست خود در کردار خود مضمناً مین تمام احکام ما رکسمی لنینیستی را مورد تجدید نظر قرار دادند.

رویزیونیستهای چینی برای توجیه خبانت خود در باب زگشت هر چه سریعتر سرمایه داری و پیشبرد یک

(۱) - به بیجا ۳۹، مورخه ایمن ۵۸، مقاله: "چین: سرکوب و سرمایه رجوع شود."

سیاست ضد انقلابی در عرصه جهانی به انقلاب فرهنگی و دستاوردهای آن حمله کرده و حمانت مبارزه رویزیونیستی حزب کمونیست چین علیه خروسفیزم را انکار نمودند و مسائل اساسی و مارکسیستی اسن مبارزه را مورد تخطئه قرار دادند. میدانیم مبارزه ای که

رویزیونیستی و مباح بورژوازی خود کرده اند. در این نوشته میگویم با نظرمحصرحسها ثی از سفیراب در مناسبات داخلی و خارجی "تحب جا کمیت رویزیونیستها را توضیح دهم و نشان دهم که اگر مبارزه صد رویزیونیستی سالهای ۶۰ مورد نفی رویزیونیستی قرار نگرفته و معطاً بطرآن توحیه شوریک می باشد که در جهت خالی کردن مناسبات داخلی و خارجی از مضمون پرولتری و انقلابی قرار دارد. آنان مبارزه ضد رویزیونیستی را نفی میکنند، چون رهروان ارتداد رویزیونیستی و سرمایه داری می باشند.

### سیاست داخلی

**تحکیم مناسبات پرولتاریائی**  
در ابتدا سبب مناسبات از کسب قدرت کامل توسط رویزیونیستها "مناسبات داخلی" در چین مشمول کدام بحولات و دیگر گونیا گردید؟ رویزیونیستها در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک و تشکلاتی بیرعت به منصفیه

- در یک جامعه سوسیالیستی رشد سوسیالیستی نیروهای تولیدی با انکابه مشی پرولتری حزب طبقه کارگر و دیکتاتوری پرولتاریا میسر است، این رسد با انکا به مبارزه طبقاتی و انقلاب مداوم تحت دیکتاتوری پرولتاریا امکان پذیر است.
- از دیدگاه مشی رویزیونیستی و انقیاد طلبانه تنگ سیاستی مهم این نیست که طبقه کارگر و خلقهای چین تحت ستم قرار گیرند و استثمار شوند، مهم اینست که سرمایه داری به قیمت سرکوب پرولتاریا و سایر توده هار شد و توسعه یابد.
- آزادی خلقها و طبقه کارگر به دست خود آنان میسر است، حال آنکه رویزیونیستهای چینی این آزادی را با انکا به امپریالیستها و هم بیامان امپریالیستی آنان قابل حصول میدانند.

بعدها و سالهای ۶۰ توسط احزاب کمونیست چین و آلبانی علیه رویزیونیستهای خروخنی صورت گرفت. در برده ها در برده ها سس ما رکسم لنینیسم در عرصه سس الملی و بر ملا کردن چهره کرده رویزیونیسم شوروی انعامود، ولی امروز رویزیونیستهای چینی که ما کرید هان راهی را طی کنند که خروسف و بیژن طی نمودند، میگویند دستاورد های این مبارزه را محو کنند و محمل های شوریک - ایدئولوژیک لازم جهت بازگشت سرمایه داری در چین را به وجود آورند. بعنوان نمونه روزنامه ملی مورخه ۲ آوریل ۱۹۸۰، مطرح میبازد که: مبارزه علیه رویزیونیسم در این دوران سحوعلمی پس برت. امری حیروانه بود و لوسا شوچی حی داشت. این روزنامه اما فمکنند که این مبارزه در مناسبات داخلی و خارجی چین با سرید و معنی گذاشت و مرحله مناسبات دو حزب چین و سوسلوی را ملغیا اعلام کرد.

ما در اینجا میگویم تا نشان دهم که مضمون رویزیونیستها از تا شیرید در مناسبات داخلی و خارجی هان رشد سوسیالیسم توسعه مبارزه طبقاتی و دسترسی به دستاوردهای انقلابی جدید است. رویزیونیستها از سوسیالیسم منفر داند و در روسن است هر چه روزی سوسیالیستی هر گام در راه منافع پرولتاریا از نظر آنان "بد" و "منفی" تلقی خواهد شد. بدین لحاظ رویزیونیستها مخالف سرخت "مناسبات داخلی و خارجی" بر اساس منافع پرولتاریا می باشند و میحض بد قدرت رسیدن میگویند تا مضمون انقلابی این مناسبات را تغییر دهد و آنها را تابع ساس

## رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

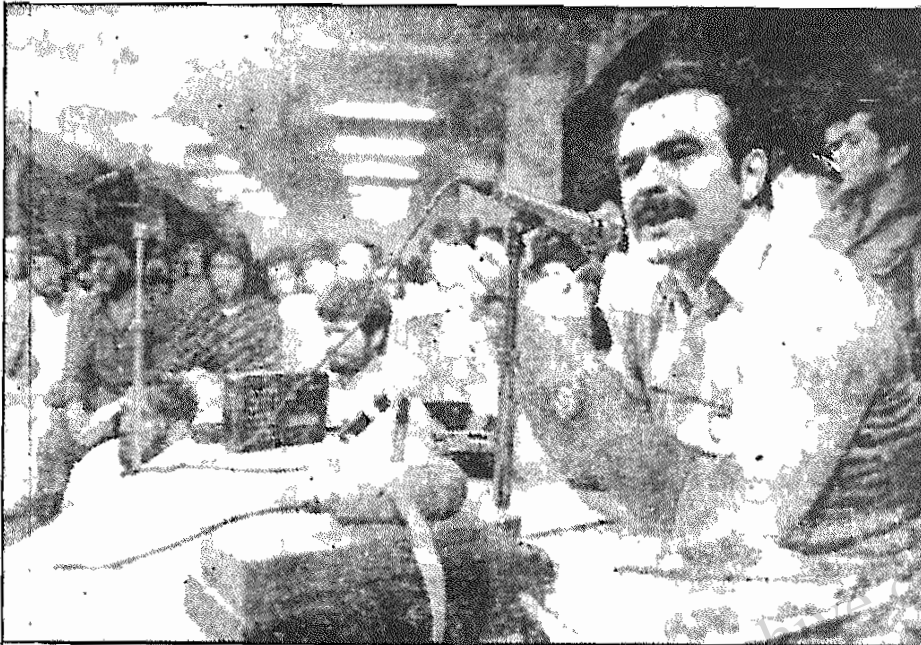




بقیبه از صفحه ۱

بیرامون ...

## نقی شهرام: نژادری یا حماسه؟



نقی شهرام به تاریخ پیوست و هم اوست که در باره اسب داری می شنید و شهرام را بنامت به سارای با ساساک ابرهرما سپه ساراک خوشی می نشاند. شهرام یک مهرمان است با همه سربو میها و بیج و تابیشی که در کسوران مبارزه طبعانی سربک روسفکر انقلابی و رزمنده بنگرمکن است بگذرد. شهرام جوهر پاک انقلابی خود را سرانجام در حماسه رزمی در زمان دگر نشان داد و خود را در طلب کارگران و رزمندگان میهن ما جاودانه ساخت.

### نقی شهرام کیست؟

او بیست و هشتاد و سه سالگی انقلابی در جامعه ای که اسنان و حیزان مکتود خود را از زیر آوار قریبها ستم طغیانی ملی و دیکتاتوری و حشاک سرون کشید با عرصه مبارزه ای سربوشت سازی گذارد. جنبش جوان است، کم تجربه است و پاهای نردیس دسوار ریه ای را هارنا زوده است و علاوه بر این با عظیم انحرافات و خاستهای گذشته جزاب و رهبران سیاسی بردوست سنگینی میکند. دیکتاتوری دیرپای سلطنتی با ستمها و ستمهای میربا لیس جها نی را هارنا سرتا پیش بورد بروجوانده ای تازه بسنه است و "هوا بس ناچوان مردانه سرتا است"، از هر سو جویه های دار آویخته است و بر سگفرتها خون های لخته شده مسود. افق پیروزی زحمتگان با ریک می نما دیو پیروزی چون شعله ای کم نور در در دست فقسط کور سو میزند. مبارزات زحمتگان انجا و آنجا سربرمی آورد ولی با خونوتی سبانه سربو میگردد. جا معه آستن مبارزه طبعانی سربوشت سازی است. نیمه دوم سالهای ۴۰ است و از همه جا آه های باس و زوزه های تسلیم بگوش میزند و شهرام معوان بک روشنفکر انقلابی با ثامه تن و انقلابی خود، آسده ناساک پیروزی زحمتگان را با چشم باز زود آگاه خویشی درک میکند، اما مثال او هر چند کم نیستند، اما هوز بیک جریان نیرو مند تبدیل نگشته اند.

جوساری هستند که در زلال خویش چشم به سوی دریای مبارزات نوده ها دارند و سنگلاخها را در می نوردند. شهرام در سال ۴۸ رسما به جاهدین خلق می پیوندد و خوانه های انقلابی اندیشه و عمل او در فضای آماده اسن سازمان انقلابی جان تازه می گیرد و می سکند. کار ما به او و همزمان اش عشق به خلق است و کسبه دشمنان خلق و آماده مینود که در کوره ها فتمبارزه می اما با رزمیها هوارسان آمریکا شس همچون "فولاد آسده شود".

سورس ارجاع آریا مهری در اول شهریور ۵۰، او بساری دیگر از باران را به زندان می افکیند و با زدرسی دیگر و صحنه ای نوین از آزمونهای سخت فرا میرسد. انبادن در سال زندان و زیر شکنجه جلادان ساواک سرار گرمس، شهرام را از بیخودن مسبرمی سواند با زدارد. او در زندانگاه ساواک را باران و زحمتگان خلق دمساع میکند و در همان سال ۵۰ با پیش سز خود به جمع بندی سبارت می سسند و معاله "خرد بورژوازی" را به سرتا بحریس در می آورد و این اولسن تلاش جدی درون تسکلاتی برای درک ما بنومندی طبقاتی مبارزه را بنام جودست میکند. آتقدربا زندانیا ناس می سترید و باران را علیه سسومبارکی حاکم سسویق سسورس میکند که معوان بک عنصر غرما بل حمل از طرف ما موران رزمی زندان ساری سسند مسود اسن با زاول کار است. این بطور جدی بفر فرار می استعدا میها با هم رزم دیگرش رقیب شهید حسن عزنی به جاره خویشی می سردار و سراسخا مهر دو با کمک افسر انقلابی زندان رفیق حسین احمدیان سوی نور سب سزید و در ۱۵ اردیبهست ۵۲ طرح فرار حوروا شهوان سکاری خود را با موفقیت به مرحله اجرا در می آورد و ما موران ساواک و کما مسورهای لیس ساسی ساواک بکج و انکست بدندان نگه میدار و دو بار ه در آغوش سازمان در خارج زندان حای میگرد.

"دولت موقت" رگان سازش با ارتجاع محمد رضا شاه و میربا لیس آمریکا میبا شد و نه رگان قیاموا بنکست این دولت، دولت سرما پیدار ان وفدا انقلابی سوست که بیاری رهبری خواهان با زسازی سظم منحنط و استنما رگ سرما پیداری واسته است، همان سظم میکه نوده های ستمیده خلق دهها هزار شهید دادند تا آسرا از بیخ و بن ناسودا زندو... اما در همان زمان سسها جعات، افترا ناسات و نه متهای بسنما را از طرف قدرت حاکم روبرو شدند. در قبال افتکاری های کمونیستها نسبت به ما هبت دولت موقت آبت الله خمینی با حمله به نیروهای کمونیستی و منسوب کردن آنها به اجانب، دستور تقویت دولت را میدا و طاعت از آنرا واجب میگرد. و کلیه کسانی که دولت را افنا میگردند به عنوان تضعیف کنندگان دولت، صد انقلاب میخواند و دستور گشتار آنها و به حبس کشید سسنا را صادر میگرد. اکنون پس از گذشت یکسال و اندی از قیام و بعد از جنایتها و خیانتهای جسران ناسبدر رژیم جمهوری اسلامی نسبت به نوده ها، آبت الله خمینی "انتقاد از خود" میکند و میگوید "ما خطا کردیم" و دولتی که ما انتخاب کردیم دولت انقلابی نبود و اینکه "ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم" و بلافاصله عملکرد رژیم جمهوری اسلامی را با ذکر اینکه "ما بحربه ناساسم" توجیه میکند. اما ما و کلیه کمونیستها و انقلابیون و نیروهای آگاه خلق بیچوجه ما اسن "انتقاد از خود" توجیه نمی توبیم و میگوئیم که ما هبت واقعی "اسنفا ر" و انتقاد از خود "آبت الله خمینی را ساری کارگران و رزمندگان سوضح دهیم، ما هبت این اعتراف به "خطا" چیست و ای سسین "انتقاد" چه چیزی را در پشت ظاهر عوام فریبش سان میکند؟

از نظر ما این با سطلح "انتقاد از خود" ناسسیر بشوئیم سخنان آبت الله خمینی در ۲۹ تیر ساه در برابر شورای عالی قضائی در سردا رنده دو مسئله بسیار مهم و شایان توجه است.

این سخنان در درجه اول و قبل از هر چیز سسنان دهنده ضعف، زبونی و استیصال رژیم جمهوری اسلامی در بر خورد به مسائل و مشکلاتی است که در مقابل آنها زانوی عجز بزمین زده است. بحران فزاینده اقتصاد و سیاسی وحدت مبارزه طبقاتی، اعتلا مبارزات توده های زحمتکش خلق، شکست بی دربی رژیم در سسونه های مختلف... دست بدست مهداد و ورژیم سسلا می مضطرب ناسوان ساخته است. رژیم که زهان بدو تولدش سسام هم خود را مصروف با زسازی سسستم سرما به داری واسته نموده و در این راه انقلابیون، کارگران، دهقانان، ملیتتها و کلیه نیروهای مترقی با سعیت و وحشگری خاصی مورد حمله و تهاجم قرار داده است و بموازات آن سرما پیدار ان وفدا انقلابیون رژیم شاه را اما ن داده، عفو کرده و حمایت نموده است و بخیال خود تهاجمهای استقرار خود را (یعنی مجلس، رئیس جمهوری و...) بکی پس از دیگری برپا داشته است، امروز می سسید که نتوانسته است به آن تشبیت مورد دلخواه دست ناسد. از سوئی دیگر نیروهای نافوق ارجاعی و وابسته به امیربا لیس آمریکا که اکنون تحت لوائی اختیار رجان گرد آمده اند خواهان اعاده وضع سیاسی زمان سساه جلا و فسال ما بشا می امیربا لیس جها یتکار آمریکا هستند و از پیکاهای سسابت ارتجاعی و ضد خلقی سسه معالیه نوده های خلق سسراسخا سسند، از سوی دیگر نسروی لایزال و نوسنده سسوده های عظیمی از خلق است که سعیت دست سسافسن به خواهیهای اولیه و محاندانسان

تا اینجا انقلابیون همزمره‌ها می‌باشند و همواره اراده دارند و شهرام با حضور خود در صف مبارزان سازمان همچون صفری درست راست عدد نه فقط به کمیت بلکه به قدرت کیفی سازمان می‌افزاید. کارها و رهبری سازمان از چند ماه پیش جل‌بحران سازمان را در دستوردا رتد و ریشه آنرا می‌جویند و می‌کوشند ضعفها را جبران کنند و آثار ضربات را خنثی نمایند و ضایعات وارده را ترمیم نمایند. شهادتهای بی‌بایی یاران همزمره دستگیریه‌ها تساب تحمل آن شرایط جهشی را بر برخی از روحیه‌های حساس که جدا از منشا طبقه‌ای آنها و ماهیت غیرپرولتری سازمان نیست - می‌بندد، برخی از این جوانان که طاققتشان طاق شده خود را به آب و آتش می‌زنند و به تعبیر دیگر نا پیگیری طبقه‌ای و ایدئولوژیک خود را در تحمل دشواریهای مبارزه به نمایش می‌گذارند.

سازمان علیرغم قید و بندهای فرهنگ مذهبی و علیرغم گرفتاری در مشی روشنفکرانه و اراده‌گرا یا نه چریکی و علیرغم نداشتن پیوند لازم با مبارزان کارگران و زحمتکشان، یک سازمان انقلابی است که سرخستانه به حیات و پیشروی خود ادامه می‌دهد. سازمان در تجربه‌ها و افت و خیزهای خود میزان پیگیری اقشار مختلف اجتماعی را می‌آزماید. سازمان از تئوری راهنمای علمی (مارکسیسم - لنینیسم) که بقول شهرام چون تورا فکتهای زوایای تاریخ را برای ما روشن میکند برخوردار نیست و ناگزیر در راه تجربه‌گرایی و اوها م طبقه‌ای گرفتار است. میزان حمایت آیت‌الله خمینی از مبارزات انقلابی علیه رژیم شاه را در مذاکرات نمایندگان سازمان با آیت‌الله در سال ۵۵ سنجیده و در داخل با بی‌تفاوتی "مراجع عالیقدر" و روحانیون با مصلح مبارز طی مراجعه مادران و خانواده‌ها و زندانیان به آنرا آشنا شده است. برخی از روحانیون و اقشار متوسط مذهبی بنوعی از سازمان حمایت میکنند ولی این حمایت‌ها (علیرغم اهمیتی که در حد خود داشته) معلوم نبود تا چه حدی میقتی و زودگذر است. از گوشه و کنار سازمان و طبقه رفقای تیزهوشی نظیر شهرام چه از درون زندان و چه از بیرون، بارها نسبت به میزان پیوند با اقشار متوسط و بویژه با زاریان هشدار داده میشود بی آنکه مبارزین آنها علیه رژیم شاه و امپریالیسم - آلتمت به طور نسبی - نفسی کرده.

... سازمان علیرغم ضربات و دشواریها، از زندگی مبارزاتی با همان استنباطات غیرپرولتری خود مآموزد ضایعات را حتی الامکان با پیوستن نیروهای انقلابی صریح و پیکر جبران میکنند و به پیش میرود. پیوستن شهرام مرحله‌ای تازه در حیات سازمان می‌گشاید. بینش ژرف و بی‌بویای شهرام و جسارت و قاطعیت او در برخورد با مسائل سازمان و قدرت او در تئوریزه کردن راه‌حلهای پیشنهادی، سازمان را نه یک قدم بلکه قدمهای بلند متعددی در زمینه مسائل سیاسی و تشکیلاتی و مقابله با تاکتیکهای تعقیب و مراقبت و نیز انجام عملیات نظامی به پیش میبرد. انتشار نشریه‌ها، انتشار نشریه‌ها منستی - نظامی، اهمیت ویژه قائل شدن به مسائل آموزشی، رفتن اعضای کارخانه و ... شکل مرتب بخود می‌گیرد. او با قدرت فوق العاده خود که مدیون آشنائی نسبی اش با مارکسیسم و استعداد ذاتی بود، تحلیلها و مسائل تازه‌ای را در سازمان عنوان میکند. تحلیل سیاسی او از اعدام انقلابی مستشار آمریکائی ها و کنسولین و خراپس از خروج از زندان است که کمتر در سازمان نمونه‌اش دیده شده بود. سپس بحثهایی که او نوشت و بصورت کتاب درآمدند "احتفای میرا طوری دلار" و "تدوین سازمانهای و تاکتیکها" و بعدها "تحلیل روابط ایران و عراق" که همگی در خود دو با تمام انحرافات موجود در آن (بخصوص ایران و عراق) از آثار قابل عرضه جنبش انقلابی آن سالها در سطح جهانی است. و با لایحه جزوه سبز (یا جزوه آموزش) که بطور پله‌ای و بتدریج خیر ما به کتاب بنیادین علم مواضع ایدئولوژیک گشت و پاسخ به نیازی بود که بخش مهمی از اعضای سازمان عمیقاً آنرا احساس میکردند، بدون تردید اگر برخورد پیش از نه و قاطعانه شهرام برای نیل به حقیقت مارکسیسم طی همین دوره هم نشود بسیار زیاده از اعطای سازمان - همانطور که زمینه‌اش از قبیل بوجود آمده بود - مارکسیسم لنینیسم را می‌پذیرفتند چنانکه در داخل زندان در مورد بسیاری از همزمران مجاهد صورت گرفت و در اینجا ست که مرز بین یک تحلیل علمی از جوتگی پیوستن بخش منشعب به جنبش کمونیستی و علل و عوامل عینی و ذهنی آن و تحلیل فردگرایانه و خودگرایانه که نه کمونیست عمده کارها و اعضای سازمان را به مارکسیسم - لنینیسم تحت عنوان کودتای فردی این با آن عنصراً مطرح میکند، مشخص میگردد. در فاصله ۵۲-۵۴ او بسیاری از کارها و عنای سازمان به هویت ایدئولوژیک و سیاسی تشکیلاتی تازه‌ای دست می‌بندد و در آن زمان او با او خرسال ۵۶ استعدادها و گوناگونی و گاه اشتقاقی او می‌شکند. او ساکن کشتی سازمان را در دریای متلاطم و خروشان با مبارزان سالها در دست دارد و بسیاری از مشکلات و ظواهر را بنحوی شیخ آمیز از پیش با سر میدارد و بسیاری از عملیات مسلحانه ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی را که در چارچوب منی چریکی از جمله عملیات برجسته و قابل تحسین میباشد، نظیر اعدام انقلابی سر نشین زندی پور، اعدام انقلابی مستشاران آمریکائی، انقار مفرگاردانها و لشکرها منتهی (شریف) و ... را طراحی میکنند و در همین مرحله است که متاسفانه ضمن دارا بودن نقش پیشرو در حرکت بخش منشعب سوی مارکسیسم - لنینیسم دچار اشتباهاتی خطرناک میشود. این اشتباهات به نحو جدا از همت طبقه‌ای سازمان و گراشی که او برانما سندی میکرد و شرایط بسیار دشوار و خشن و خونین خاکم بر ما روزه انقلابی آرزوها و نسبونها در چارچوب نفاذهای درون خلفی و نوع برخورد به آن قابل بررسی است و بالاخره او هرگز لحظه‌ای به ما زس ما دشمنان خلق نیاندیشید و با تمام فوای علیه هرگونه سازش و تسلیم جنگند. او کسی است که در طول ۲۳ سال مبارزه انقلابی سازمان لکه‌ها زس سردمانش ننشسته است.

شهرام به تعبیر یک ضرب‌المثل معروف، بسان "اسب تیزتکی است که گاه با بسن می‌لغزد" لغزشی که ما توجه به معنای خود ممکن است آثار نا مطلوب و دردناکی هم بجای گذارد (و گذاشت) اما این لغزشها هیچگاه از ساسی هسه جا سه ما را نشاید تحت تا شبر خود قرار دهد.

شهرام بدون شک یکی از انقلابیون برجسته سالهای اخیر و یکی از با استعدادترین و تیزهوشترین کمونیست‌های میهن ما و سی تردید سگی از چهره‌های سازش‌نا پذیر جنبش انقلابی خلق ما است. پس از تحولات درون تشکیلاتی بخش منتعبد در سال ۵۷ او بی‌طعم و متفرداً از تشکیلات همخان به مبارزه علیه رژیم شاه ادامه داد. در پیام شگوه مندی بهمن شرکت کرد و پس از چندین ماه معطله و بررسی سراطط معده که مکی سه دستاوردهای انقلابی سالهای گذشته و ذهن تیزهوشی را و بود در خالی که حصماً نه خود را آماده نکرد تا از نوع فعالیت نوین انقلابی خود را از سرگریز به جنگ خرده بورژواها و بورژواهای کوردل، کسبه توزیع و میوه جیبانی افتاد که از

و مدلیل شور و بیخشن توهمنان نسبت به رژیم بوی بردن به ما هیت آن در حال حاضر بیستاً به نیروی غیر قاطع بل مهارت در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است. در سخنان آیت‌الله خمینی به هردوی این نیروها برخورد شده از طرفی به عفو و بستگان و جنبانند کاران رژیم شاه را شن، "انتقاد" شده (مسلماً یکسه بارها و بارها مورد افشاکری کمونیستها و انقلابیون واقع گردید) و او را زگردیده که "این عفو برخط واقع شده است و از ... و از طرف دیگر به عنا صرمهم رژیم (همچون بهشتی) توصیه گردیده که راه گذشته (یعنی سیاسی با زسای نظام سرمایه‌داری و وابسته و طبعاً سرکوب توده‌ها) باشد و "قاطعیت" ادا می‌باشد. بطور قاطعیت عمل بشود، بطور قاطعیت عمل بشود و "تاما مگروها خفه بشود و هر اعترافی بشدت سرکوب گردد زیرا که دیدگر ایسان نمی‌توانند تحمل کنند که هر کس هر جوری دلش می‌خواهد (یعنی غیر از آنچه که او می‌خواهد) عمل کند" اما

بهمین دلیل هم بیشتر مردم "قاطعی" تدر کردستان و ... مورد انتقاد قرار می‌گیرد تا مستقله عفو ساواکی‌ها.

آنچه که در اینجا بطور قاطعی و بی‌دو چون و چرا نمی‌مسلماست اینست که تیزی تیغ حمله و فشا راهلی تنها جم متوجه نیروهای انقلابی و توده‌های خلق است و نه ضد انقلابیون و وابسته‌ها امپریالیسم رژیم شاه، چرا که وقتی راه انداختن نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم در دستورات و تمام موظفان در را بطسسه ملموس و تنگاتنگ با آن مشخص و مبین میگردد، بطور طبیعی و غیر قابل گریزی رژیم جمهوری اسلامی هم خط وهم سر نوشت با وابستگان به رژیم ساقط شده پیشین میگردد. و بیشتر و بیشتر در برابر توده‌های خلق بصورت مانع اصلی تبارز می‌یابد. بهمین دلیل هم بیشتر عدم "قاطعیت" در کردستان و ... مورد انتقاد قرار می‌گیرد تا مسئله عفو ساواکیها و سران رژیم گذشته، از بازگان "انتقاد" میشود. اما نه برای اینکه انقلاب را سرکوب میکرده، بلکه برای اینکه درین کار "قاطع" نبوده است.

مسئله دومی که در سخنان آیت‌الله خمینی بطور آشکارا روبا زری خود را نشان میدهد مشوب کردن ادهان توده‌ها، انحراف افکار آنها و جلوگیری از فروریختن توم آنها میباشد. این تاکتیک است که تا کنسوسن بکرات اتخاذ شده است. برجسته‌ترین نمونه آن در گذشته برخورد به دولت بازگان و انداختن تمام شکستها بگردن آن بوده است. اکنون، تاکتیک مزبور یعنی قربانی کردن عده‌ای برای حفظ کامل رژیم، دامنه عمل حساب سیاسی قطب زاده، مساحی و بسیاری دیگر از اصطلاح لیبرالها و عناصر مریج را مورد سید تقرار داده است. طراح و محرر جنس ساکنی، حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی است که در راه محقق اهداف حویسن سحویسار رسین کسده‌ای از خود دو با به سوده‌ای آیت‌الله خمینی (که بدلیل زسادی به حزب حیثوری اسلامی و بورژواها و خرده بورژواهای متشکل در اسن حزب تردید کمراست با حجاج لیبرالها) اسفا ده میکند و ضمن تعویب موضع حویش و تضعیف موضع حزبف ("لیبرالها") در هیئت خاکمه حفاظت از کل رژیم جمهوری اسلامی را هم مد نظر دارد. سا سراسن و با سوحه که سا ربا لا، اسفا دشمن آیت‌الله خمینی سه لیبرالها و سزار آنها، حوی و سار سخاها و دفاع او

از آنها دهائی چون سبها ساداران و دادگا هپای انقلاب و کمیته‌ها کا ملا درک میشود، آیت الله خمینی با حمله به "لیبرالها" و تضعیف آنها و در عین حال تقویت نهاد - های فوق الذکر فکر میکنند که میتوانیم بر مشکلات عدیده و گونا گونی که در مقابل دارنفاق آید و هم از فروریختن شوهرها عتماندا توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ممانعت بعمل آورد.

اما افزایش روزمره بحران اقتصادی - سیاسی - نظامی ... ریزش سریع توه توده‌ها، رشد مداوم و تسریع یا بنده نیروهای انقلابی و اعتلا جنبش توده - ای اجازت نخواهد داد که فکرو آرزوی آیت الله خمینی تحقق یابد. بسیاری از توده‌های آگاه خلق از بسا ن کمونیستها و با توجه به سیاستها و عملکردهای رژیم - ها کم در پیته‌های گوناگون اقتصادی سیاسی اجتماعی ... و در ارتضاط با طبقات و اقشار مختلف خلقی - همچون کارگران و دهقانان ملیتهای تحت ستم، به آیت الله خمینی و رژیم‌ها کم میگویند: بیپوده تلاش میکنید، ناگامیها و شکستهای متواتر رژیم را به عهده بخشی از هیئت حاکمه بیاندازید، ما هرگز فراقا - سوش نمیکنیم که در تمام سیاستهای اصلی رژیم، کل هیات حاکمه و از جمله شخص شما بطور مشور و غیر قابل انکاری دخیل بوده‌اید و در تمام مواردی که ما (توده‌ها) مورد هجوم و کشتار واقع شدیم چه هنگام حمله به کارگران چه زمان بیورش به ملیتهای تحت ستم در کردستان و ترکمن صحرا ... کل رژیم جمهوری اسلامی متفق القول و متحدالرای بوده است، به عین تلاش میکنید خسود را قیما تلقی کنید و بجای ما تصمیم بگیرید و بنا م تصمیمات خود را به اجرا بگذارید. شما چگونه حاضر میشوید و به خود این اجازت را دیدید که خویشتن را ولی - الامرو قیما بدانید در حالیکه سیر و قایح این حقیقت را بخوبی نشان داده است و شما (آزوی ناچاری) بارها خودتانرا بر زبان آورده‌اید که لاجبیت شایستگی قیومت و حتی رهبری ما را ندارید. (۱) ما با زهم تفکرو بیانش ولایت فقیهی شما مطرح میکنند که حکومت از آن شما و مثال شماست و شما ده‌ها خلق، همانها که انقلاب کرده‌اند، همانها که امروزه نموده‌اند، همانها که شهید شده‌اند ... لیاقت و صلاحیت ادا راه مورخود را ندارند. (۲) لکن جابه شامی گوئیم که علیرغم نظر عمل شما ما توده‌های زحمتکش خلق بر آنیم که به رهبری طبقه کارگر ما مورخود را با بدست بگیریم و دمکراسی واقعی را تحت پرچم جمهوری دمکراتیک خلق برپا داریم. و کا ملا قاطعانه و با صراحت اعلام میداریم که در این راه هیچ قدرتی را سا رای مقابله با ما نخواهد بود و هیچ تا کثیکی هم برای انحراف ما از راه اصولی و انقلابی ما که در عین حال منطبق بر سیرتکاملی تاریخ و نیروهای روبه رشد است منمیر شمر نمی باشد. چرا که تاریخ حواز عبور طبقه کارگر را در این مسیر رسیدن وی به قدرت و بدست گرفتن حکومت را ما در کرده است.

(۱) - بایدهما اعتراف نکنیم که رشیدتیسیم، رشید ندریم، این مردم این توده مردم بودند که ریختند و کارها را انجام دادند. (از سخنان آیت الله خمینی خطاب به ساداران با مرداد ۲۲ خرداد) واضح است که این سخن از یک دیدگاه انقلابی بیان نمیشود، و با توجه به دیدگاه ولایت فقیهی آیت الله خمینی بوده‌ها پسری آرزین سادارند (بسیار وری شماره رجوع کنید) ولی ما این حال اسرا را که مسخره فاش را نصیحت بردهاست آیت الله است اگر چه بسیار کردار و موقعی

"برکت نا آگاهسی ویایی تفاتی اکثریت مردم" براریکه قدرت در جمهوری اسلامی تکیه زده‌اند. آنها با تفکر واحساسات بسیار ابتدائی و حیوانی خود بفرانتقام از انقلابیون رزمنده‌ای چون او بودند و می خواستند با ایراد زهنها و بیرجسیها و راه انداختن هپا هوکار زارنا جوانمرده‌های را علیه مجاهدین خلق و کمونیستها براندازند و در خدمت به امبرالیسم و عمال اشگام بردارند.

رژیم جمهوری اسلامی این مبارز دلیرسالهای خفقان و این انقلابی مقام را به زنجیر کشید تا مگرا و تسلیم کند. او را تحت شکنجه‌های جسمی و روحی قرار داد تا شاید او را به موضوعگری علیه همسنگران قدیم و ادا رد ویدیونوسیله در جبهه انقلاب تفرقه بیا کند. ما هپا او را حتی از ملاقات با پدر و مادر محروم کرد و بکریح ساعت وقت هوا خوری به ا و نداد، برای اوق باسخ به آنها مات نا جوا نمرده‌های که اینجا و آنجا علیه و سوابق انقلابیش در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون ارتجاع مطرح میشد تا ل نگشت. فشارهای مستمر و وعده‌های مکرر که اگر فقط پنج دقیقه علیه مجاهدین خلق صحبت کند با ملاح از مجازات معاف است بر او وارد آمدولی او همچنان استوار ماند.

تا ماهی درخشان او که نما یا نگر و حیه تسلیمنا پذیریک کمونیست در برابر فشارهای طاقت فرسا است در تاریخ جنبش ضد امبرالیستی و کارگری و کمونیستی منهن ما باقی خواهد ماند. اسنادی که نشان میدهد چندی کمونیست و یا یک انقلابی اشتباه میکنند، اما می تواند هر آینه نسبت به منافع توده‌های پای بند باقی بماند. اشتباهات و انحرافات خود را جبران نماید، مقامت او در برابر برتوطئه‌ها که، صارا و بر عدم صلاحیت "دادگا ه انقلاب" برای رسیدگی به فعلیتهای او دفاع جانانه اش از این اصل، آموزش و تقابل تحسین است.

رفیق تقی شهرام، جوهر انقلابی خود را در مقامت یک ساله زندان نشان داد (۱). او علیرغم پای فشردن بر مواضع اصولی سیاسی - ایدئولوژیک خود و حفظ مرز بندی با نیروهای از قبیل مجاهدین خلق هرگز حاضر نشد در صف واحد اردوی انقلاب و خلق شکانی ایجاد کند و با تمام قوا در برابر برتوطئه درگیری با مجاهدین ایستاد. از این فراتر مدام از موضع انقلابی سازمان مجاهدین دفاع کرد و عملانشان دادگاه در آزیایی و نحوه برخورد گذشته خود به سازمان مجاهدین به انتقاد از خود رسیده است. رفیق شهرام طی دوره زندان اخیسر مقاومتی از خود نشان داد، روزها نمی‌خوابید و کمترسی نظیرش را بتوان سراغ داد؛ و پس از آزادی رژیم که سالها علیه آن مبارزه کرده و در خود سوابق صدها سنگ و تسلیم و همکارانی با رژیم‌ها را دارند مثال احمد رضا کریمی و صفر میرزا جعفر علاف و بنحریک حزب جمهوری اسلامی علیه و با لام بگیرد، و "روزنامه جمهوری اسلامی" و "مجاهدین انقلاب اسلامی" (۲) ردیالانه ترین زهنها را به اوی سندنویا تحریک و تحت فشار قرار دادن سوء استفاده از آگاه هی خانواده شهید شریف واقفی و دیگران چه در این مبارزستگی تا پذیرای کوشنده به تهنه‌های نا جوانمرده‌ها به با لاند و چنان جوی درجه معسه علیه او ایجاد میکنند که حتی برای برخی از نیروهای مترقی دفاع از او در حکم یک امر غیر قابل قبول جلوه‌گر میشود! "دادگا ه انقلاب" او را در ردیف سرسپردگان رژیم گذشته و عمل آمریکا قرار میدهد و با این موضعگیری خسود دشمنی طبقاتی رهبران جمهوری اسلامی را علیه انقلابیون کمونیست نشان میدهد. مقامات دادستانی او را از حداقل حقوق یک متهم سیاسی چه در زمینه رسیدگی به آنها مات او در دادگا هپای عادی و صالح، چه تماس با خانواده و چه حق انتخاب وکیل محروم می نماید. رژیم جمهوری اسلامی با این اقدامات جنا بتکارانه خود وحشت خویشتن را از انقلابیون کمونیست بطور عریان بنمایش میگذارد و این مبارزستگی تا پذیریک تنه‌وی اعتبار از نیشخندها و نا جوانمرده‌ها، حقیقت را فدای مصلحت نمیکند، و به رسم مبارزین سازشنا پذیرا ایستاده می‌میرد.

او با مقامت جانانه خود در زندان، با ایستادگی بر روی اصول، با مخدوش نگردن مسرز میسان دوست و دشمن خلق، درک صحیح خود را از مناسبات درون خلقی که زمانی مخدوش شده بود و خود نیز در آن نقش داشت به نمایش می‌گذارد. او زندگی انقلابی و سراسرتلاش و مبارزه خود را که در مقامی به تراژدی انجامیده بود به حاسه بدل میکند. حماسای درخور نیست در تاریخ، حماسای که نقطه مقابل آن، سنگ ابدی سریشنا مرتعین و اوس - مانده‌های است که میکوشند برای به عقب گرداندن عقرب زمان و چرخ تاریخ جا معما را به دوران سیاه قسرون وسطی بکشانند.

رفیق شهرام با نشان خون خود و با ایداری خود در کنار شهیدای ارجمند جنبش خلق و جنبش کارگری و کمونیستی منهن ما جای گرفت. یادش گرامی باد!

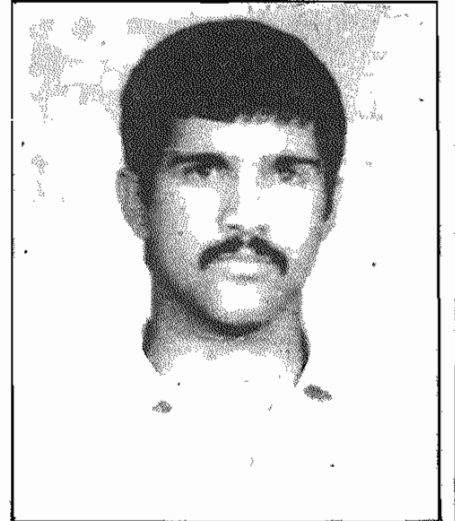
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
۱۳۵۹/۵/۲

- (۱) - در مورد رفیق تقی شهرام و آزیایی از برخورد های انقلابی وی در زندان و ... همچنین رفیق نامیدن وی از جانب ما بعد از توضیح خواهیم داد.
- (۲) - راجع به احداث حدخائن که برای بدانداختن انقلابیون در زمان رژیم شاه جنا بتکار کمال همکاری با ساواک را داشته بطوریکه تمام اطلاعات خود را در مورد مبارزین و خانواده آنها در اختیار پلیس گذاشته و در گشتی های کبته با صلاح ضد خرابکاری برای معرفی و شکار انقلابیون در کنار مزدوران کمیته می نشست و ... همچنین در مورد ترهات و ویا و هه‌ایی که این عنصر خود فروخته در مورد برخی از رفقای سازمان ما در دادگا مطرح کرده است در شماره بعد سخن خواهیم گفت.

همه با شد با زهم خود بیبا نگر گوشه‌ای از حقیقت می باشد. (۲) - "این مردم، این توده مردم بودند که ریختند و کارها را انجام دادند. لا بعدده شما سات به عهده همه ما ست این که اینها گرفتند ما نگهش داریم، توده‌ها که دیگر رسمی نتوانند ملکیت را ادا رکنند توده‌ها افتاده همه کارها را انجام داد و سپردش دست شما آقا بان که در اسامور هستند اینها حالا با بدننگاش دارند. این یکا مانست الهی است. باید ما هالگهش داریم" (از سخنان آیت الله خمینی خطاب به ساداران - ساداد ۲۲ خرداد)



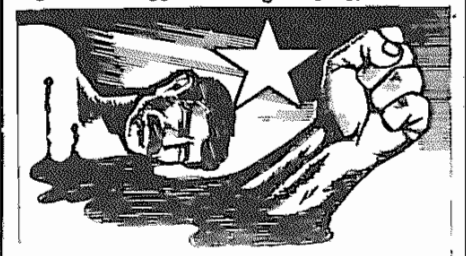
### یاد رفیق شهید "رضایرتوند" گرامی باد



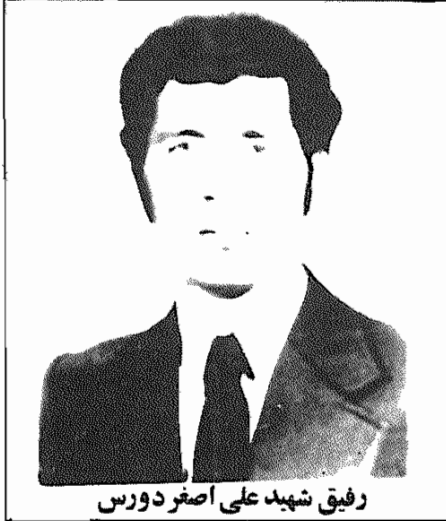
روز ۲۱ تیرما همقارن با سالگردشهادت یکی دیگر از انقلابیون کمونیست، رفیق پیکارگر "رضا یرتوند"، بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بود. رفیق رضا از جوانان انقلابی "لالی" (از توابع مسجد سلیمان)، بواسطه فعالیتهای انقلابی و افشاگرانه اش و بیعت وحشتی که وجود او و بددل مرتجعین ایجاد کرده بود توسط دونفر از مزدوران کشیف رژیم پناهمهای طباطبائی (دانشجو) و موه ذبی (مهندس ساواکی) و با کمک ۶ نفر از اهالی لالی بشهادت رسید. جریسان شهادت رفیق بدین قرار بود:

روز ۲۱ تیرما ۵۸۵ مزدوران مرتجع رفیق رضا را در کتا رودخانه "آبشور" لالی محاصره میکنند، پس از درگیری مختصری با رفیق و مجروح نمودن او آنها سر رفیق رضا را در شنهای ساحل رودخانه فرو کرده و با نا مودی هرچه تمامتر خفاش میکنند و حصد او را در رودخانه میاندازند.

مزدوران کشیف پس از انجام جناست تلافی میکنند که شهادت رضا را خفگی طبیعی در آب جلوه دهند. اما شواهد موجود در بزرگقانونی، آزماشهای رفقای رضا از جسد او، تناقص گوشهای بزرگ قانونی و عا میلان جنابت پرده زوری حناست هولناک سرمی دار دوروش میشود که رفیق رضا قربانی اقدامات ارتجاع گردیده است. و بدین ترتیب شهید دیگری برخیل شهدای خلق امزوده میشود. ارتجاع با کساری که از انقلابسوان سراه انداخته است با نبداند که خون رضا ورمای های دیگر آسی حوا هد بود که سمان او را خوا هد سوزاند. درود بر رفیق شهید ما سراسود



### خاطره رفقای شهید علی اصغر دورس و محمد صادق کفاش تهرانی را گرامی میداریم

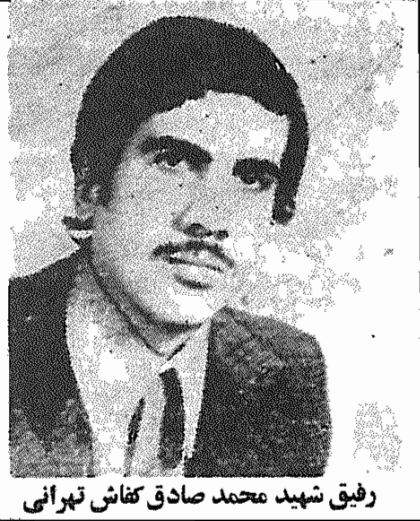


رفیق شهید علی اصغر دورس

چهار مرد ادا سال معا رسب با پبحمن سال کرد شهادت رفقا علی اصغر دورس و محمد صادق کفاش تهرانی ایندورسوی خان سرکف دردورانی سبیا زوات انقلابی خلقهای ما پیوستند که رژیم منغورنا هلاکدرای حنط نظام سرما پهداری واستهواستمارا رچیا ول مینن مسا توسط امیرالینتهای غارگر یکی از خونخوارترین دیکتاوریهای قرن را برجا معما مسلط ساخته بود. در آن دوران معا را انقلابی بودن در صحنه مبارزه خونین محک زده میشد.

آری! ایندور رفیق انقلابی کموسبب را اعضای بخش منشع س.م.خ. اما عسی سدهوده های زحمکین قدم در راه کلگون انقلاب اسرا ن گذار دند، موه سبیکار انقلابی نا مرگ سرخ خویش ادا مهادند. رما نیکه سدرورس شهید همرا ها کاروان سرگی از مبارزین راه رهاشی خلقهای اسرا ن در زیر سرفی سرتزده ها و در سورس جکمه پیوسا ن محمد رضا سا هی سبیا دلپاشی آکده زمپرا استمارا زندگان با صا حان زور و زشتی میگرددند، میرات حوارا ن انقلاب هرکدا مسه نحوی با لخن در ما سب آمرونا سکوب مرکبا رنظارا رگر وقایع سوده و نا در کوه های اورسور و کراسی عربس و طوبل رژیم محوس پهلوی سه "خدمت" مسعول سوده و نا سه سوحی عی ملی خود مشعول سوده و الینه گروه اندکی هم سوده کفرای "سروری مسعفن" دس سه ده عا برده شده سوده! و اسرا ن امروز که با حک و دند ان سه قدرت حسیده اندر ای سا حین "گدسه در حان" سرای خود محسورند که ما را با انقلابی سیرس فرزندان خلق را لوب کنند.

رفیق علی اصغر دورس در سال ۱۳۲۲ در شهید مولد سدر همنا سنا محصل کرد و سال آخردرسرا ن را در سیرا ن گذار اندوسس "خدمت نظام" را در مظنه های سن فوجا ن دوره کرسری کرد. دوره سیراری و رندگی در کنار سواشان محروم او را سبب از سبب نادردهای رحمکان دد آساکرده و در سببگیری احما عی - ساسی اوتس موسری داس. سبب ازلگی یک دوره کمک نمیدی را دیولوسریون در ترک سوا سراسخدام بدولی حنط سروج اداری بارو حده سرحک او بار-



رفیق شهید محمد صادق کفاش تهرانی

کاری بداشت و اوکا ردولتی راه رها کرد. رفیق در اثر آشاشی بارمسی شهید عیدالله مینی در ارتباط با سا زمان ما هادن خلق اسرا ن فرار گرفت. او سیرای کسب اطلاعات از فعالسبهای سا حمانی با یگا ه نظامی جا دبها ربرای اجام ما موسی سه آنخا رفت ونوانست اطلاعات گراسبهای در مورد آن طرح نظامی امپرس- بالسی بدست آورد. رفیق شهید همچنین با شناخت سبب ارهای مری و در اسرا ن مختن سا نوده ها توانست امکاناب فراوایی برای ورود و خروج رفقای مخفی از مرز در اختیار سا زمان قرار دهد. رفیق از اردسبب ۵۴ بیعت سببگرسا واک مخفی سد. بدببیا ل سفیر و تحولات در سا زمان ما هادین و ما رکسبب شدن بخشی از اعضای آن رفیق محمد صادق کفاش تهرانی سبب از انقلاب سونی بود که با فصول آندشولوزی طفله کارکره بحس مشعب با زمان ما هادن خلق بسوس، و در ناخه شهید سا زمان سه فعالیت انقلابی خود ادا مهاد.

در سرحکا ه ۴ مرداد ۱۳۵۴ حاه ستمی رفقا در کوی طلاب شهید در ما صره دزحبا ن سا هرا رگرت. رفقا دلاورا نه معا ومب کردند و طی یک درگیری کده و ما سبب طول کسدر رفقا دورس و محمد صادق کفاش تهرانی در راه رهاشی زحمکسا ن بحون غلطبند. در حرا ن اسرا ن درگیری مزدوران کسعی سا مهای "هرمرحساری" و "سروا سبب" (که سبب در حه سرگردی گرفت) و "آسی" شرکت داسند. حرا ن اسر سبب حوسا سه بیلس در روزنا مهای رژیم سا هدر سبب مرداد ۵۴ تحب عسوان "کسبیک سبک" وسع حوا کارای در شهید همرا ها داسا ن بردار سببای سبب سبب سبب رسد. رژیم اسم رفیق کفاش تهرانی را سا ما کاطم بدی اعلام کرد.

آری ایندورس کسب کسب مکاناب خود را در راه حدب سدرهاشی خلقهای رحمکسا ن در اختیار سا رما سبب قرار دادند. وسرا سبب دزرا دحقق آرمان والای طفله کارگر و در روزا روئی سا امیرالینسم و رژیم بدست سببده و مدخلتی اسر سبب داسند.

گرامی باد رفقای شهید علی اصغر دورس و کفاش تهرانی  
درود بر رفقای شهیدای بحون حنط خلقی